

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



شورای عالی حوزه علمیه قم

مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران

مدرسه‌ی علمیه نرجسیه (سلام الله علیها) سنقر کلیایی

تحقیق پایانی سطح دو (کارشناسی)

عنوان :

نقش مادر در تربیت دینی فرزند

استاد راهنما :

خانم سمیرا حیدریان

استاد داور :

خانم سمیرا حیدریان

پژوهشگر :

رضوان حقیقی

تابستان ۱۳۹۸

تحمیدیه

سپاس و ستایش خدای جل و جلاله را که آثار قدرت او بر چهره‌ی روز روشن، تابان است
و انوار حکمت او بر دل شب تار، درخشان. آفریدگاری که خویشتن را به ما شناخت و درهای
علم را بر ما گشود و فرصتی عطا فرمود تا بدان، بنده‌ی ضعیف خویش را در طریق علم و معرفت
بیازماید.

تقدیم به

آنان که عاشقانه سوختند تا گرمابخش وجود ما و روشنگر راهمان باشند...

پدر و مادر عزیزم، که هرچه آموختم و هرچه بکوشم قطره‌ای از دریای بی‌کران مهربانیشان

را سپاس نتوان گویم.

و همسر مهربانم، بسیار خرسندم از اینکه با تو و در کنار تو و همراه توام. عشق به فرزندان،

با وجود تو کامل می‌شود و این اثر تقدیم به تو می‌گردد.

و تقدیم به فرزندم «کیارش» که سبب تألیف این اثر، عشق به تو بوده است.

و تقدیم به خواهرم و برادرانم که همواره همراه و پشتیبان من در زندگی‌ام بوده‌اند.

تقدیر و شکر

به مصداق «من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق» بسی شایسته است از استاد گرامی ام سرکار

خانم سمیرا حیدریان، که با کرامتی چون خورشید، گنجینه‌ی دل را روشنی بخشیده و گلشن سرای علم و دانش را با راهنمایی کارساز و سازنده بارور ساختند تقدیر و شکر نمایم.

و با امتنان بی‌کران از مساعدت‌های بی‌شاعبه سرکار خانم بیگی مدیریت محترم مدرسه‌ی

علمیه نرجسیه (سلام‌الله‌علیها) و با درود فراوان محضر خانواده‌ام بالأخص پدر و مادر عزیزم، که همواره چراغ وجودشان روشنگر راه من در سختی‌ها و مشکلات بوده است.

چکیده

تربیت دینی کودکان از اهمیت خاصی در نظام آموزشی و تربیتی اسلام دارد. تحقیقات نشان می‌دهد بسیاری از افرادی که در بزرگسالی نسبت به عبادات و معنویت گرایش کمتری دارند، ذاتاً بی‌اعتقاد به دین و تکالیف دینی نیستند. بلکه عواملی چون بی‌توجهی و عدم تقید والدین نسبت به انجام به موقع تکالیف عبادی در فقدان تمایلات معنوی فرزندان نقش بسزایی دارند. اگرچه پدر و مادر هر کدام به نوبه خود تأثیر خاصی در تربیت صحیح فرزند دارد اما در این میان نقش مادر پررنگ‌تر است چرا که بیش از پدر مرتبط با فرزند می‌باشد. آنچه که باید بیش از پیش مدنظر قرار گیرد اخلاق و رفتار مادر است. چرا که کودک در رفتار او را شاهد و نمونه قرار داده و مفاهیم مذهبی و اخلاقی را از او می‌گیرد. در تربیت دینی و اسلامی پرهیزکاری رأس هر امر، افضل اعمال و مورد محبت خداست. مهم این است که مادر در مسیر تقوای الهی باشد و تربیتش را براساس پرهیز از گناه و عبادت خداوند متعال قرار دهد. مهم بوده و باید مادران بدانند که آنجا تربیت فرزند بهتر است از همان دوران کودکی و طفولیت باشد. بنابراین میزان تأثیر مادر در تربیت صحیح دینی و معنوی فرزند و راهکارهای تربیت معنوی از قبیل احترام گذاشتن به شخصیت آنان، نحوه آموزش عبادات (نماز، روزه و تلاوت قرآن کریم) تأکید بر همنشینی با نیکان و حضور کودکان در محافل دینی و مذهبی و نحوه تشویق و تنبیه و پند آنان مهم می‌باشد. با توجه به اینکه ارتباط مناسب بین مادر و فرزند از نظر اسلام و تربیت صحیح دینی فرزند از جمله سؤالات هر مادری است؛ سؤال اصلی این تحقیق نیز همین موضوع می‌باشد و سعی شده است در آن به نقش مادر در تربیت معنوی کودک و روش‌های و راهکارهای چنین تربیتی اشاره گردد. امید است مورد استفاده مادران قرار گیرد.

واژگان کلیدی: محوریت، مادر، تربیت، فرزند.

فهرست مطالب

مقدمه ۱

فصل اول: کلیات

۱-۱- تعریف و تبیین موضوع ۴

۱-۲- اهمیت و ضرورت تحقیق ۵

۱-۳- اهداف و فواید تحقیق ۶

۱-۴- پیشینه موضوع ۶

۱-۵- سؤالات تحقیق ۷

۱-۶- فرضیه‌ی تحقیق ۸

۱-۷- پیش فرض‌های تحقیق ۸

۱-۸- روش تحقیق ۸

۱-۹- مفاهیم و متغیرها ۹

۱-۱۰- ساختار تحقیق ۹

۱-۱۱- محدودیت‌ها، موانع و مشکلات تحقیق ۱۰

فصل دوم: مبانی و عوامل مؤثر در تربیت

گفتار اول: اهمیت تربیت اولاد از منظر قرآن و روایات ۱۲

۱-۱- آغاز تربیت و پرورش دینی ۱۹

- ۵۵-۴-۱ گفتن اذان و اقامه در گوش نوزاد
- ۵۶-۴-۱ کام برداشتن
- ۵۸-۴-۱ تراشیدن سر نوزاد
- ۵۸-۴-۱ قربانی کردن
- ۵۹-۴-۱ ختنه کردن
- ۶۰-۵-۱ تأثیر غذای حلال در تربیت معنوی فرزند
- ۶۲- گفتار دوم: حقوق فرزند بر مادر
- ۶۲-۱-۲ احترام به شخصیت کودک
- ۶۴-۲-۲ مشورت با کودکان
- ۶۵-۳-۲ محبت به کودک
- ۶۸-۴-۲ مسئولیت دادن به فرزند
- ۷۰-۴-۲-۱ تشویق کودک به قبول مسئولیت

فصل چهارم: شیوه‌های پرورش عواطف دینی کودک

- ۷۳-۱-۱ انتخاب نام نیک برای کودک
- ۷۵-۲-۱ نقش همنشینی و معاشرت در فرزند
- ۷۷-۳-۱ قرآن محور آموزش کودکان
- ۷۹-۴-۱ روش‌های آموزش نماز و روزه به کودکان
- ۸۳-۵-۱ کودک و محافل مذهبی و معنوی
- ۸۴-۶-۱ راه‌های ایجاد محبت اهل بیت در دل کودکان
- ۸۶-۷-۱ تأثیر تشویق و تنبیه در تربیت کودکان
- ۸۶-۱-۷-۱ تشویق
- ۹۰-۲-۷-۱ تنبیه

۹۳ ۸-۱ داستان سرایی یکی از روش‌های تربیتی
۹۴ ۱-۸-۱ فواید داستان و اثر تربیتی داستان
۹۵ ۲-۸-۱ نوع داستان‌ها
۹۵ ۳-۸-۱ شخصیت‌های داستان
۹۶ ۴-۸-۱ وقت داستان‌سرایی
۹۸ نتیجه‌گیری
۱۰۰ پیشنهادات
۱۰۱ فهرست منابع و مآخذ

مقدمه

خوشحالی یا بد حالی، بهروزی یا سیه روزی هر یک از انسان‌ها در گرو «تربیت» است و این مهم به عواملی همچون ساختار فرهنگی خانواده، محیط آموزشی، محیط زندگی و کم و کیف تعلیمات بستگی دارد. این عوامل با یکدیگر ارتباط طولی و تکمیلی دارند و در عین حال می‌توانند همدیگر را خنثی یا تخریب کنند به هر جهت همه‌ی این عوامل به نوعی در قبال انسان و تعلیم و تربیت او مسئولیتند و در این میان، مسئولیت والدین بالأخص مادر نسبت به فرزند، بیشتر و مهمتر از دیگران است چرا که اخلاق اعضای جامعه، به اخلاق مادران وابسته است. در اثر فعالیت اخلاقی، اجتماعی و فرهنگی مادر، تمدن انسانی و معنوی یا تصنعی و ماشینی پدید می‌آید. خشونت‌ها، سبک‌سری‌ها، لجاجت‌ها تا حدود زیادی بستگی به طرز فکر مادر دارد. جامعه‌ی بی-تفاوت یا حساس، بستگی به افرادی دارد که در دامن مادران رنگ و خوی گرفته‌اند. صلح‌ها و جنگ‌ها غالباً از درون خانواده به ویژه از مادران پایه‌گذاری می‌شود.

در این میان دوره‌ی قبل از تولد، از حساسیت بسیار زیادی برخوردار است. هم‌چون خشت اول ساختمان خواهد بود که اگر کج رود، ساختمان را دچار آسیب جدی می‌کند. بنابراین اولین و مهمترین مسئولیت تربیت فرزند، هم از لحاظ زمانی و هم از لحاظ رتبه، بر عهده‌ی پدر و مادر است تا از ابتدایی‌ترین لحظه‌ی ممکن، نسبت به تربیت فرزند سالم، شایسته و مفید اهتمام

ورزند.

بر همین اساس با استفاده از کلام پیشوایان معصوم و دیگر دستاوردهای دانش پزشکی آنچه را در تربیت کودک و در جهت داشتن فرزندی صالح مؤثر است گردآوری کردیم با این امید که به لطف خداوند برای اولیای خیراندیش و جوانان که تصمیم به ازدواج دارند مفید باشد.

فصل اول

کلیات

گفتار اول: کلیات

۱-۱- تعریف و تبیین موضوع

از جمله نعمت‌ها و امانت‌های الهی برای انسان نعمت فرزند است که ثمره‌ی زندگی زن و مرد می‌باشد، والدین در برابر فرزندان وظایف و تکالیف خاصی دارند، آنان هم‌چون باغبانی می‌باشند که باید نهال نو رسیده را نیکو پروراند و زمینه را برای رشد همه جانبه و به ثمر رساندن او فراهم نمایند.

درست است که بلوغ و رشد جسمی زمینه را برای ازدواج فراهم می‌کند اما برای تربیت فرزند علاوه بر رشد جسمی، رشد عقلی، اخلاقی و عاطفی، مدیریت برای اداره‌ی کانون خانوادگی و سرپرستی فرزندان امری لازم است چرا که تربیت دینی امری اندیشیده و مهلت‌دار است و با بی‌خبری و عدم آگاهی به مسائل و جریان‌های زمان نمی‌توان در این زمینه گام برداشت.

بنابراین پژوهش حاضر بیان می‌دارد که خانواده‌ها برای تربیت دینی کودکان باید ابتدا خود در دوره‌ی طفولیت و در طول عمر تربیت صحیح اخذ کرده باشند و تا بتوانند برای فرزندانی که مطابق فطرت الهی، خداپرست و درست‌کردار به دنیا آمده‌اند، مربی خوبی باشند.

اما گفتن این مهم بی‌لطف نیست که اهمیت مادران در امر تربیت از پدران بیشتر می‌باشد در واقع بهترین مربی کودک از این جهت مادر اوست چرا که بیشترین ارتباط کودک با مادر است

و برای اولین بار و بطور مستقیم با مادر سر و کار دارد. لذا مادران باید خودشان در زمره‌ی بهترین و در اصل بهترین بندگان خدا باشند و علاوه بر تلاش برای صالح شدن و تربیت صحیح فرزندان‌شان باید برای تقوای خود نیز تلاش کنند. لذا این تحقیق به دنبال بررسی نقش مادر در تربیت دینی فرزند است.

۱-۲- اهمیت و ضرورت تحقیق

هر جامعه‌ای به افرادی نیاز دارد که با آن‌ها بتواند خود را رشد دهد و یا باز سازی کند، در واقع افراد یک جامعه نقش بسزایی در سعادت آن جامعه خواهند داشت. با توجه به اینکه در دین اسلام انسان بالقوه می‌تواند به کمال برسد، حال اگر در یک جامعه‌ی اسلامی احساس شود که افراد آن جامعه از این توانایی خود بهره‌ی کافی را نمی‌برد یا این‌که می‌تواند پیشرفت بیشتری داشته باشد اما متأسفانه تلاش در این زمینه انجام نمی‌دهند یا با وجود موانع تربیتی در جامعه هم‌چون تهاجم فرهنگی از سوی رسانه‌های غربی با هدف تضعیف و فرو پاشی بنیان خانواده، وسوسه‌های شیطان، حب دنیا و... که در جامعه‌ی امروزی رو به گسترش است امر تربیت با دشواری مواجه است، لذا هر وجدان بیداری به تکاپو می‌افتد که جامعه‌ی خویش را نسبت به مشکلی که دارد آگاه کند و در صورت توان وضعیت جامعه را بهبود بخشد، بهترین راه‌حل برای رفع و دفع مشکل این جامعه تربیت صحیح فرزندان می‌باشد. چرا که همین فرزندان در طول زندگی خود نقش‌های فراوانی در صعود یا سقوط یک ملت و تربیت نسل‌های بعدی ایفا خواهند کرد. بنابراین لازم است

در این راستا به موضوع تربیت و دینی بودن آن و نقش مادر در این خصوص پرداخته شود.

۱-۳- اهداف و فوائد تحقیق

هدف اصلی بررسی نقش مادر در تربیت دینی فرزند می باشد.

هدف فرعی:

۱. بررسی عوامل مؤثر در تربیت دینی فرزند.

۲. تأثیر مادر در تربیت دینی فرزند چه میزان است.

۳. بررسی عملکرد مادر در تربیت دینی فرزند.

۱-۴- پیشنهاد موضوع

پیشینه و تاریخچه این تحقیق که موضوع آن تربیتی است به زمان تشکیل خانواده برمی گردد و این امر مورد اهتمام پیامبران بوده و خانواده خصوصاً مادر را مهد تربیت و رشد دینی فرزندان معرفی نموده اند. بنابراین تربیت از جمله مباحث مهمی است که باید بیش از پیش به آن پرداخته شود در این راستا تحقیقات و پژوهش های زیادی صورت گرفته که به نمونه هایی از آنها اشاره می شود.

۱. کتاب فطرت شهید مطهری (ره) که به بیان فطرت و سرشت پاک انسان و الگوپذیری

اشاره دارد.

۲. کتاب تأثیر مادر در تربیت تألیف علی قائمی که به مباحث معنوی مرتبط با تربیت پرداخته که این کتاب با زبانی ساده و روان به تحلیل مطالب پرداخته که قابل فهم می‌باشد.
۳. کتاب فرزند صالح تألیف ابراهیم ستارپور که بیشتر به شیوه‌ها و راهکارهای تربیتی می‌پردازد.
۴. کتاب کودک و وراثت محمدتقی فلسفی به مباحث وراثت و تأثیر آن بر رفتار و اخلاق کودک اشاره دارد.
۵. مقاله‌های آقایان حسن ملکی، مهدی شکر الهی با عنوان تربیت عبادی کودکان که بیشتر به مباحث عبادی و ضرورت آن‌ها برای کودک و روش‌های آشنایی کودک پرداخته است.
۶. مقاله آقای علی اکبر زهره کاشانی با عنوان اصول تربیت دینی از منظر آیات و روایات می‌باشد که به اصول تربیتی و تعلیم و تربیت دینی پرداخته است.
- اما با کمال تأسف باید گفت کمتر کتابی بطور اختصاصی به نقش مادر پرداخته است بلکه همه کتب نامبرده شده بخشی از تحقیقات خود را در این زمینه اختصاص داده‌اند، لذا پژوهشگر به دلیل کمبود در این زمینه سعی نموده پژوهش خود را در این زمینه انجام دهد.

۱-۵- سوالات تحقیق

سؤال اصلی:

مادر چه نقشی در تربیت دینی فرزند دارد؟

سؤالات فرعی:

۱. عوامل مؤثر در تربیت چیست؟
۲. تأثیر مادر در تربیت دینی فرزند، چه میزان است؟
۳. نقش‌های اختصاصی مادر در تربیت فرزند چیست؟
۴. شیوه‌های پرورش عواطف دینی کودک چیست؟

۶-۱- فرضیه‌ی تحقیق

مادر به عنوان رکن اساسی تربیت، نقش بسیار مهمی در رشد و تربیت کودک ایفا می‌کند این امر به ویژه در اولین سال‌های زندگی از اهمیت شایان توجهی برخوردار است.

۷-۱- پیش فرض‌های تحقیق

تربیت دینی کودک در اسلام بسیار مورد تأیید است و مادر از اثر گذارترین افراد در خانواده می‌باشد.

۸-۱- روش تحقیق

این تحقیق براساس ماهیت و روش دینی است و براساس مسأله‌ای توصیفی - تحلیلی می‌باشد ولی جمع‌آوری مطالب به روش کتابخانه‌ای صورت گرفته است.

۹-۱- مفاهیم و متغیرها

فرزند: پسر یا دختر هر مرد یا زنی است به خود او.

تربیت: پروردن، پروراندن، پرورش دادن، ادب و اخلاق به کسی یاد دادن.

زن: انسان ماده، مقابل مرد و نیز به معنی جفت مرد که عربی زوجه گویند.

مادر: زنی که دارای فرزندی است، مام، ام، والده.

۱۰-۱- ساختار تحقیق

این پژوهش شامل ۴ فصل است:

فصل اول کلیات که شامل مباحث کلی تحقیق می‌باشد.

فصل دوم با عنوان مبانی و عوامل مؤثر در تربیت؛ دارای دو گفتار است؛ گفتار اول اصول و

مبانی تربیت، گفتار دوم عوامل مؤثر بر تربیت را بیان می‌کند.

فصل سوم با عنوان نقش مادر در تربیت کودک، دارای دو گفتار است: گفتار اول نقش

اختصاصی مادر بر فرزند، گفتار دوم حقوق فرزند بر مادر را بیان می‌کند.

فصل چهارم با عنوان شیوه‌های پرورش عواطف دینی کودک، شامل انتخاب نام نیک برای

کودک، نقش همنشینی و معاشرت در فرزند، نکات و رهنمودهای در تربیت فرزند صالح، قرآن

محور آموزش کودکان، روش‌های آموزش نماز و روزه به کودکان... می‌باشد.

۱۱-۱- محدودیت‌ها، موانع و مشکلات تحقیق

به طور طبیعی هر تحقیق و پژوهشی با مشکلات و موانعی رو به رو است که در روند تحقیق خلل و وقفه ایجاد می‌کند از جمله مشکلاتی که در مسیر این پژوهش می‌توان به آن اشاره کرد عدم دسترسی آسان به منابع و کتابخانه‌ها می‌باشد.

فصل دوم

مبانی و عوامل مؤثر در تربیت

گفتار اول: اهمیت تربیت اولاد از منظر قرآن و روایات

یکی از اساسی‌ترین مسائلی که امروزه در محافل علمی و آموزشی جهان مطرح است مسئله تربیت و پرورش انسان است. از دیدگاه اسلام، تربیت مجموعه روش‌هایی است که از ابتدای تولد و حتی قبل از آن باید به کار رود تا استعدادهای نهفته در وجود انسان در مسیر تکامل قرار گرفته و شکوفایی لازم به دست بیاید.^۱

اسلام برای تربیت انسان و ساختن جامعه‌ای نمونه، اصول و روش‌هایی را ارائه کرده است. این اصول و روش‌ها تحت عناوین احکام و دستورات زندگی، قبل از تولد، پیش از مرحله تشکیل خانواده و برخی بعد از ازدواج و تولد نوزاد به کار می‌رود.^۲

بی‌تردید والدینی می‌توانند تأثیرات مثبت و سازنده‌ای در زندگی فرزند داشته باشند که بتوانند به خوبی تربیت کنند؛ از طرفی والدینی که فضای مناسب و مطلوبی برای رشد و تربیت فرزندان خود فراهم نکنند هرگز نمی‌توانند از وجود آنان به نحو بهینه بهره‌گیرند. علاوه بر آن، فرزندان‌شان نیز نمی‌توانند از وجود خود، بهره‌برداری کنند. به عبارت دیگر، نه والدین از داشتن چنین فرزندان‌ای احساس رضایت می‌کند و نه فرزندان از بودن خویش راضی هستند.

۱. علی اصغر، شعبان دخت، تربیت کودک در منظر آموزه‌های دینی، چاپ اول، بی‌جا، شهر، ۱۳۸۹، ص ۸.

۲. رضا، فرهادیان، آنچه والدین و مربیان باید بدانند، چاپ چهارم، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۶، ص ۱۰-۹.

از این رو اهمیت تربیت و ادب کردن، تا آن جاست که حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: «لا

میراث کالادب؛^۱ هیچ میراثی مانند ادب نیست».^۲

فرزندانی که به خوبی از تربیت بهره مند می گردند آثار و ثمرات سازنده ای در زندگی والدین

خویش داشته و عامل تداوم حیات خانوادگی به حساب می آیند و زندگی والدین را سرشار از

گرمی و طراوت می سازند. در قرآن کریم به جایگاه و منزلت رفیع فرزندان اشاره شده است آنان را

تحت عنوان نور چشمان آدمی معرفی کرده است: «...رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَ ذُرِّيَّتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ...»^۳

پروردگارا! از همسران و فرزندانمان مایه روشنی چشم ما قرارده...».

وقتی که گفت وگوهای لقمان با فرزندش را مرور می کنیم، در می یابیم که امر خطیر تربیت

فرزند مدنظر اوست و این خود حکایت از اهمیت فرزند و تربیت اوست عبارت «یا بنی» حاکی از

این معناست. لذا او را از تکبر ورزیدن نهی می کند و می گوید: «وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا...»^۴ بر روی

زمین، با تکبر راه مرو!».

قرآن کریم درباره تربیت اهل خانه می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا...»^۵ ای

۱. عبدالواحد بن محمد، تمیمی آمدی، غرر الحکم و درر الکلم، ترجمه حسین شیخ الاسلامی تویسرکانی،

قم، انتشارات انصاریان، ۱۳۸۲.

۲. شاتو، ژان، مبانی و اصول آموزشی و پرورش، ترجمه غلامحسین شکوهی، چاپ اول، تهران، انتشارات

دانشگاه تهران، ۱۳۶۱، ص ۱۱.

۳. سوره فرقان (۲۵) آیه ۷۴.

۴. سوره اسراء (۱۷) آیه ۳۷.

۵. سوره تحریم (۶۶) آیه ۶.

کسانی که ایمان آورده‌اید خود و خانواده خویش را از آتش جهنم ننگه دارید».

امام صادق(علیه السلام) فرمودند: «چون آیه‌ی فوق نازل شد، می‌گفتند: یا رسول‌الله! چگونه خود و خانواده‌مان را حفظ کنیم؟ فرمود: اعملوا الخیرَ و ذکرُوا به اهلِکُم و اَدَّبُوهم علی طاعةِ الله؛ عمل خیر انجام دهید و آن را به خانواده خود نیز یادآوری کنید و بر پایه فرمانبرداری از خدا پرورششان دهید».^۱

قرآن همچنین می‌فرماید: «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ»^۲ ای پیغمبر خویشاوندان خود را از خدا بترسان». از این دستور فهمیده می‌شود که سازندگی جامعه را «باید» از ساختن اقوام و خانواده خود شروع کرد، اول خانواده خویش را ساخت سپس به ساختن جامعه پرداخت. خودسازی و ساختن زن و تربیت فرزندان از جمله وظایف بسیار بزرگ پدران است. بدانید که هرگز مکتبی برای خودسازی و تربیت صحیح فرزندان و رشد شخصیت معنوی آنها، بهتر از محیط خانه پیدا نمی‌شود.^۳

حضرت علی(علیه السلام) در توضیح این آیه می‌فرماید: «خود و زن و بچه خود را تعلیم خیر دهید و آنان را ادب نمایید».^۴

۱. محمدبن یعقوب، کلینی، الکافی، ج ۴، چاپ چهارم، تهران، انتشارات دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۶۵، ص ۴، ح ۱۰؛ حسین بن محمدتقی، نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۲، چاپ اول، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۸ق، ص ۲۰۱؛ محمد، محمدی‌ری شهری، منتخب میزان الحکمه با ترجمه فارسی، مترجم محمدرضا شیخی، حمید حسینی، چاپ سوم، قم، انتشارات دارالحديث، ۱۳۸۴، ص ۱۶.

۲. سوره شعرا(۲۶) آیه ۲۱۴.

۳. حسین، مظاهری، خانواده در اسلام، بی‌چا، قم، انتشارات شفق، ۱۳۷۴، ص ۱۰۱.

۴. محمدحسین، طباطبایی، میزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۹، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، بی‌تا، ص ۵۷۳.

نگهداری خویشتن، به ترک معاصی و عدم تسلیم در برابر شهوات است و نگهداری خانواده به تعلیم و تربیت و امر به معروف و نهی از منکر و فراهم ساختن محیطی پاک و خالی از هر گونه آلودگی در فضای خانه و خانواده است.^۱

در آیات و روایاتی که درباره حقوق فرزند و مانند آن در منابع اسلامی وارد شده، به خوبی استفاده می‌شود که انسان در مقابل همسر و فرزند خویش مسئولیت سنگین‌تری دارد و موظف است تا آنجا که می‌تواند در تعلیم و تربیت آن بکوشد، آن‌ها را از گناه باز دارد و به نیکی‌ها دعوت نماید نه اینکه به تغذیه آن‌ها قناعت کند.^۲

معصومان (علیهم‌السلام) در روایات متعددی بر ضرورت و اهمیت تربیت در دوران کودکی تأکید کرده‌اند؛ برخی از این روایات چنین است:

پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمودند: «لِأَنَّ يُوَدَّبَ الرَّجُلَ وَلَدَهُ خَيْرٌ لَهُ مِنْ أَنْ يَتَصَدَّقَ بِنِصْفِ صَاعٍ كُلِّ

يَوْمٍ؛^۳ اگر پدری فرزندش را تربیت کند بهتر از این است که روزی یک و نیم کیلو گرم طعام صدقه بدهد».

حضرت علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «ما بخل والد ولداً نحللاً أفضل في ادب حسن؛^۴ هیچ پدری هدیه‌ای

بهتر از تربیت نیکو به فرزندش نداده است».

۱. ناصر، مکارم‌شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۷۴، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴، ص ۲۸۷-۲۸۶.

۲. همان، ص ۲۹۳.

۳. محمدبن حسن، حرعاملی، وسائل‌الشیعه، ج ۱۵، چاپ ششم، قم، انتشارات مؤسسه آل‌البیت، الأحیا التراث، ۱۴۰۹ق، ص ۱۹۵، ح ۸.

۴. حسین‌بن محمدتقی، نوری، همان کتاب، ج ۱۵، ص ۱۶۵، ح ۱۷۸۷۷.

هم‌چنین امام صادق (علیه‌السلام) برای فرزند، سه حق را بر پدر لازم می‌داند که یکی از آنها جدیت در تربیت اوست: «تجب للولد علی والده ثلاث خصال: اختیاره لوالدته و تحسین إسمه و المبالغه فی تادیبه؛^۱ فرزند بر پدر و مادر سه حق دارد؛ انتخاب مادر مناسب برای او، نام نیک نهادن بر او و جدیت در تربیت او». هر سه حق می‌تواند در تربیت فرزند مؤثر باشد، ولی تأثیر بخش سوم به طور کامل تربیتی است.

پیامبر گرامی اسلام بر داشتن و تربیت فرزندان تأکید فراوان نموده و می‌فرماید: «أكرموا اولادکم و أحسنوا آدابهم یغفر لکم؛ فرزندان خویش را گرامی بدارید و آن‌ها را نیک ادب و تربیت کنید تا خداوند شما را بیامرزد».

پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به فکر، احساسات و عواطف کودکان قبل از هر چیز توجه داشته و سفارش به گرامی داشتن کودکان نموده و تأکید داشته است که روابط والدین و مربیان نسبت به کودکان و فرزندان، باید کریمانه و دوستانه باشد، تربیت کریمانه کودک و حسن تربیت او باعث آموزش خود انسان می‌شود، لذا عبادت محسوب می‌شوند. هیچ مکتب و مذهب و گروهی نیست که اهمیت و ضرورت تربیت آدمی را انکار کند، اختلافات در اهداف و روش‌های تربیت آدمی است.

اسلام برای تربیت در دوران کودکی تأکید فراوان دارد و آن را از وظایف والدین و حقوق

۱. محمدباقر، مجلسی، بحارالانوار، ج ۸۷، چاپ سوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق، ص ۲۳۶.

۲. همان، ج ۱۰۴، ص ۹۵، ح ۴۴.

فرزندان می‌داند.^۱

بدیهی است وقتی کاری و عملی در شرایط خاص زمانی خود انجام گیرد آن کار به طور مطلوب‌تری تحقق خواهد یافت و از هر گونه دشواری بر کنار خواهد ماند. به عنوان مثال تحصیل و آموزش در دوره کودکی قابل مقایسه با تحصیل در دوران بزرگسالی و کهولت نیست، چرا که در بزرگسالی مشکلات فراوانی در برابر انسان قرار می‌گیرد، بهترین دوره سازندگی و تربیت دوره کودکی است زیرا:

۱. نوار ذهنی کودک به صورت دست نخورده باقی می‌ماند و برای دریافت مطالب آمادگی کامل دارد.

۲. در دوره کودکی هرچه در اختیار کودک گذاشته شود به مصداق «الْعِلْمُ مِنَ الصَّغَرِ كَالنَّقْشِ فِي الْحَجَرِ»^۲ فرا گرفتن علم در کودکی مانند حک کردن روی سنگ است. که در دل و جان او حک می‌گردد و هرگز دچار فراموشی و نسیان نمی‌گردد.

۳. اگر نهال تربیت کودک دچار انحراف گردد با کمترین زحمت می‌توان آن را به حالت راستی در آورد، اما اگر نهال کوچک به درخت تناول تبدیل شود، به هیچ وجه نمی‌توان آن را به صورت راست و مستقیم درآورد...، با توجه به این نکته به خوبی درمی‌یابیم که آموزش و تربیت در

۱. علی، حسینی‌زاده، سیره تربیتی پیامبر و اهل‌بیت (تربیت فرزند)، ج ۱، چاپ سوم، قم، انتشارات پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۲، ص ۳۱.

۲. محمدباقر، مجلسی، همان کتاب، ج ۱، ص ۲۲۴.

کودکی نقش آفرینی می‌کند.^۱

۴. انسان در دوران کودکی بیشتر و عمیق‌تر تحت تأثیر دیگران واقع می‌شود و سعی در تقلید دیگران را دارد، بنابراین در کودکی می‌توان به راحتی از ویژگی تأدیپ‌پذیری استفاده کرد و به امر تربیت سرعت بخشید.^۲

حضرت علی (علیه‌السلام) به فرزندش چنین می‌فرماید که؛ «من تربیت تو را در این دوران آغاز کردم تا تو مجبور نباشی دست به تجربه دوباره برنی و رنج و زحمت تجربه مجدد را متحمل شوی».^۳

«إنما قلب الحدث كالارض من الخاليه ما ألقى فيها من شي قبلته فبادرتك بالادب قبل أن يقسمو قبلك و يستقبل بجدراًيك ما قد كفاك اهل التجارب بغيته و تجربته؛^۴ قلب کودک مانند زمین خالی است که هر بذری در آن بکارند می‌روید، از این رو تربیت تو را در کودکی و پیش از آن که قلبت سخت و ذهنت مشغول شود، آغاز کردم تا تو حقیقت آنچه را که اهل تجربه تو را از تجربه مجدد آن بی‌نیاز می‌سازند، با رأی قاطع بپذیری».

۵. در دوران کودکی و نوجوانی، فرزند در دسترس والدین است و هنوز استقلال رأی و نظر ندارد، برای والدین امکان تربیت بهتری وجود دارد.

۱. استادان طرح جامع آموزشی خانواده، خانواده و فرزندان در دوره‌ی ابتدایی، چاپ نوزدهم، تهران، انتشارات سازمان انجمن اولیاء و مربیان، ۱۳۸۳، ص ۷۳-۷۱.

۲. علی اصغر، شبعان دخت، همان کتاب، ص ۱۱.

۳. عبدالحمید بن هبئه‌الله، ابن‌ابی‌الحدید، شرح نهج‌البلاغه، تحقیق محمدابوالفضل ابراهیم، چاپ دوم، بیروت، دار احیاء الکتب العربی، ۱۳۸۵، ص ۱۵۶.

۴. نهج‌البلاغه، نامه ۳۱.

بنابراین در صورتی که والدین به وظایف خود درباره فرزندان عمل نکنند و آنان را درست تربیت نکنند هم به سقوط و انحراف آنها از مسیر حق کمک کرده‌اند و هم خود را از شر آنها در دنیا و آخرت در امان نخواهند ماند، زیرا نخستین کسانی که از فرزند تربیت نشده زیان می‌بینند، والدین هستند و گاه ممکن است فرزند تربیت نیافته پدر و مادر را وادار کند تا برای تأمین خواسته‌های خود به هر گاه غیر شرعی دست بزنند. فرزندان نعمت‌هایی برای والدین هستند، اگر والدین به وظایف خود در قبال آنها عمل کنند، یعنی اگر از آنچه شرع مقدس بیان داشته نسبت به کودکان و تربیتشان اهتمام داشته باشند، می‌توانند از این نعمت‌ها هم‌چون سایر نعمت‌های الهی بهره‌مند شوند. لذا باید کوشید تا در راه درست بهره بردن از این نعمت‌های الهی (که تربیت صحیح‌ها آنها میسر است) از سیره معصومان دریافت، با بهره‌جویی از شیوه‌ی تربیت دینی معصومان در تربیت فرزندان خود کوشا باشیم و آنان را به مسیر صحیح کمال الهی هدایت کرد.^۱

۱-۱- آغاز تربیت و پرورش دینی

دوران کودکی و نوجوانی بهترین و مناسب‌ترین زمانی است که پدر و مادر فرزندان خود را با اخلاق و آداب اسلامی آشنا سازند؛ زیرا در این دوره کودک فقط والدین و محیط خانواده را می‌شناسد و به اصطلاح چشم و گوش او بسته است و تنها تحت پوشش شخصیت خود تغذیه‌ی روحی و فکری می‌شود، در این برهه، روح کودک فوق‌العاده حساس و اثرپذیر است و مانند

۱. علی، حسینی‌زاده، همان کتاب، ج ۱، ص ۳۱.

دوربین فیلم‌برداری، همه‌ی رفتارها را در خود ضبط می‌کند و به تدریج و در دراز مدت آنچه را که دیده بروز می‌دهد.

اگر والدین به خصوص مادر در دوره‌ی کودکی، در تربیت دینی فرزند سهل‌انگاری کند و خود الگوی شایسته‌ای برای کودکان خویش نباشد و تنها به امر و نهی‌های خشک و خالی اکتفا کند، کودکان بی‌توجه به چنین توصیه‌هایی تو خالی، به رفتارها و خلیات نامطلوب گرایش خواهند یافت و زمانی که در بیرون از خانه، با الگوهای منفی اخلاقی رو به رو شوند، علاقه و اثرپذیری بیشتری از خود نشان خواهند داد. امام صادق (علیه‌السلام) فرمودند: لقمان حکیم به فرزند خود چنین سفارش کرد: «یا بنی! إن تأدبتَ صغیراً انفعتَ به کبیراً!^۱ اگر در کودکی ادب آموختی، در بزرگی از آن بهره خواهی برد».

درست است که نوزاد معانی کلمات و جملات را نمی‌فهمد و خصوصیات و مناظر و اشکال را تشخیص نمی‌دهد، لکن اصوات و آهنگ را می‌شنود، مناظر را می‌بیند، اعصاب و مغزش از آن‌ها متأثر می‌گردد، بدین جهت نمی‌توان گفت که دیدنی‌ها و شنیدنی‌ها، هیچ‌گونه تأثیری در نوزاد ندارد و نسبت به آن‌ها بی‌تفاوت محض است. در افسانه‌ای کهن حکایت شده است که مادری با کودک یک ساله‌اش نزد دانشمندی رفت و گفت: ای مرد دانشمند! به من بگو که از چه سنی و سالی بایستی کودک خود را تربیت کنم؟

۱. محمدباقر، مجلسی، همان کتاب، ج ۱۳، ص ۴۱۹.

مرد دانشمند، با دقت به کودک نگریست و کوشید تا سن و سال او را تشخیص دهد؛ سپس

بدو گفت: ای زن! تو درست ۱۲ ماه دیر کرده‌ای.^۱

مفهوم این افسانه کاملاً روشن است. نوزادی که در یک محیط دینی پرورش یافته و صدها

مرتبه آهنگ دلربای تلاوت قرآن و لفظ زیبای خدا را شنیده و با چشمش منظره‌های نماز خواندن

پدر و مادر را دیده است، با نوزادی که در محیط فساد و بی‌دینی پرورش یافته و گوشش با شنیدن

نغمه‌های فساد و چشمش با دیدن مناظر فحشا خو گرفته یکسان نیست.^۲

پیامبر گرامی اسلام نیز از این نکته‌ی حساس تربیتی غفلت نکرده و به پیروانش دستور

می‌دهد که به محض این‌که بچه به دنیا آمد در گوش راستش اذان بگویند و در گوش چپش اقامه.

آری پیامبر گرامی اسلام می‌دانست که نوزاد معانی اذان و اقامه و آیات قرآن را درک

نمی‌کند؛ اما از تأثیر عمیقی که همین الفاظ بر اعصاب کودک می‌گذارد نیز غفلت نداشت. به علاوه

ممکن است پیامبر اسلام از این دستور اکید، منظور دیگری نیز داشته باشد، او می‌خواسته به پدران

و مادران گوشزد کند که در تعلیم و تربیت کودک سهل‌انگاری جایز نیست. برای این منظور از هر

وسیله و فرصتی باید استفاده نمود.^۳

۱. آنتوان، سیمونویچ، گفتارهایی درباره تربیت فرزندان، مترجم ابوتراب باقرزاده، چاپ اول، تهران، انتشارات

پویش، ۱۳۶۳، ص ۲.

۲. راضیه، محمدزاده، مادر اگر اینگونه می‌بود، چاپ اول، تهران، انتشارات مرکز فرهنگی مفید، ۱۳۸۴،

ص ۳۳.

۳. ابراهیم، امینی، آیین تربیت، چاپ چهارم، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۲، ص ۱۰۹.

بنابراین اولیا نمی‌توانند به بهانه کم و سن و سال بودن کودکان نسبت به رفتار خود غفلت داشته و هر رفتاری از آنان سر بزنند، اسلام چنین اجازه‌ای را نمی‌دهد مثلاً نوزادی که عمل منافی عفت را مشاهده نماید، گرچه آن را تشخیص نمی‌دهد اما روح و روانش از این حادثه‌ی زشت متأثر خواهد شد و به همین عمل کوچک ممکن است برای او منشأ انحرافی باشد؛ بدین جهت پیامبر گرامی اسلام فرمودند: «اگر کودک در گهواره، نگاه می‌کند مرد نباید با همسرش عمل زناشویی انجام دهد».^۱

۱-۲-۱- مقدمات تربیت فرزند

برخی تصور می‌کنند تربیت کودک از تولد به بعد شروع می‌شود در حالی که با استفاده از متون اسلام درمی‌یابیم که لازم است قبل از تولد نیز، زمینه‌های فراهم شود تا انسان بتواند در تربیت کودک موفق باشد، توجه به این زمینه‌ها قبل از انعقاد نطفه امکان‌پذیر است، از این رو در این بخش به عواملی که زمینه‌ساز تربیت صحیح کودک است، پرداخته می‌شود.

۱-۲-۱- انتخاب همسر

نقش همسر در امر تربیت فرزندان و سازندگی آن‌ها غیر قابل تردید است. اخلاق، روحیه و فرهنگ همسر می‌تواند عرصه زندگی را در جمیع زمینه‌های فرهنگی، اخلاقی، دینی، معنوی، مادی

۱. حسین بن محمد تقی، نوری، همان کتاب، ج ۲، ص ۵۴۶.

و اقتصادی تحت تأثیر خود قرار داد، هدف و راه و رسم حیات فردی و اجتماعی را ترسیم نماید.^۱

در سیره معصومین (علیهم السلام) تربیت کودک قبل از تولد کودک و از همان زمان ازدواج و انتخاب همسر آغاز شده. مهم ترین نقش تربیت کودک را محیط خانواده ایفا می کند، زیرا کودک حساس ترین زمان رشد و تربیت خود را در خانواده ای می گذراند که زن و شوهر از ارکان خانواده به شمار می روند، از این رو اگر زوجین افراد سالم و از لحاظ روحی و معنوی، صالح و تربیت یافته باشند به جلد می توان گفت بخش مهمی از تربیت فرزند سامان یافته و تضمین می کند، شده است.^۲

انتخاب درست و برگزیدن همسری شایسته، مستلزم رعایت نکاتی است که اسلام عزیز به آن ها عنایتی ویژه مبذول فرموده است.

قرآن کریم، زن را مایه آرامش مرد و زندگی زن و مرد را نسبت به همدیگر پوشش و لباس تشبیه کرده است: «...هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ...»^۳ به آن ها لباس شما هستند و شما لباس برای آن ها». هم چنین درباره ی زنان شایسته می فرماید: «...فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ...» پس زنان شایسته متواضع و تابع هستند که در غیاب همسر خود اسرار او در برابر حقوقی که خداوند قرار داده، حفظ می کنند».

۱. عباس، اسماعیلی یزدی، فرهنگ و تربیت، چاپ اول، قم، انتشارات دلیل ما، ۱۳۸۴، ص ۲۴۰-۲۳۹.

۲. علی، حسین زاده، همان کتاب، ص ۴۲-۴۱.

۳. سوره بقره (۲) آیه ۱۸۷.

۴. سوره نساء (۴) آیه ۳۴.

آنچه کانون خانواده را گرم و روابط دو همسر را صفا و صمیمیت بخشیده و سعادت آنان را تضمین می‌کند پیوند قلبی و امتیازات مشترک روحی و اخلاقی است. گزینش همسری شایسته با معیارهایی چون دلسوزی، دین‌داری، مورد اعتماد بودن، دارای خلق و خوی نیک، برخورداری از اصالت خانوادگی، تقوا و پاکدامنی، عفت و حیا تحقق می‌یابد. البته زیبایی و تناسب اندام را نیز نمی‌توان از نظر دور داشت، لیکن هرگز ارزش‌های والای انسانی تحت الشعاع جذابیت چهره و ظاهر قرار نمی‌گیرد.^۱

در امر انتخاب همسر توجه به گزینه زیبایی به تنهایی مورد نقد قرار گرفته است به طوری که پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در این باره می‌فرماید: «ایها الناس ایاکم و خضراء الدّمن. قیل یا رسول الله و ما خضراء الدّمن؟ قال المرأة الحسنة فی منبت السوء»^۲ ای مردم! از سبزه‌های مزبله پرهیزید. گفته شد ای پیامبر خدا! سبزه مزبله چیست؟ فرمود: زن زیبایی که در خانواده بد بزرگ شده است».

۱. هم‌شان بودن: پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در انتخاب همسر چنین سفارش فرمودند: «تخیروا النطفکم فأنکحوا الألحضاء و انکحوا إلیهم»^۳ برای نطفه‌های خود حمل مناسب انتخاب کنید و از اشخاص هم‌شان خود زن بگرد و به آن‌ها زن بدهید».

۲. صالح بودن: در دین مبین اسلام ارزش و منزلت زن پاک، صالح و شایسته به قدری است که نمی‌توان آن را با طلا و نقره و... مقایسه کرد. در این رابطه امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرماید: «أتمّما

۱. علی اصغر، شعبان دخت، همان کتاب، ص ۴۰.

۲. محمدبن یعقوب، کلینی، همان کتاب، ج ۵، ص ۳۳۲.

۳. ابوالقاسم، پاینده، نهج الفصاحه، تهران، انتشارات دنیای دانش، ۱۳۲۴ق، ص ۲۲۷.

الْمَرْأَةُ قَلَادَةٌ فَانظُرْ مَا تَتَّطِدُ...^۱ زن به منزله‌ی گردن‌بند است، بنگر که چه گردن‌بندی بر گردن می‌افکنی؟...».

۳. خوش اخلاقی: خوش اخلاقی یکی از شاخصه‌های اصلی زندگی مشترک می‌باشد؛

«خیرکم خیرکم لأهلیه و أنا خیرکم لأهلی؛^۲ بهترین شما کسی است که برای خانواده خود بهتر است و من از همه شما برای خانواده‌ام بهترم».

۴. در واقع طهارت و شایستگی همسران در ارجمندی و سلامت نو نهالان آنان بسیار مؤثر

است و هر اندازه از پاکی و قابلیت بیشتری برخوردار باشند ثمره و میوه حیات مشترک آنان شایسته‌تر خواهد بود. زن و مرد با انتخاب همسری شایسته و برخوردار از شرایط مناسب، زمینه را برای تربیت درست و سالم فرزندان خود فراهم می‌آورند، خصوصاً بانوان که مزرعه وجودشان می‌تواند زمینه‌ساز شایستگی دریافت ارواح الهی و ارمغان بزرگ و فیض عظیمی باشد که در پرتو آن محصول جان و تن آنان را از موهبت حیات انسانی برخوردار می‌سازد و وظیفه حساس تربیت و پرورش فرزندان لایق و بهره‌مندی از صفات عالی انسان را بر عهده دارند. کودکان علاوه بر آن‌که سال‌ها در دامن خود پرورش می‌یابند خلق و خوی و سیمای آنان نیز از اقوام نزدیک مادر متأثر است.^۳

۱. محمدبن حسن، حرعاملی، همان کتاب، ج ۲۰، ص ۳۲، ح ۱۶.

۲. محمدبن علی، ابن‌بابویه، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، چاپ سوم، قم، انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۱۳ق، ص ۵۵۵.

۳. غلامعلی، افروز، چکیده‌ای از روانشناسی تربیتی کاربردی، چاپ ششم، تهران، انجمن اولیا و مربیان،

۱۳۸۱، ص ۲۲۱-۲۲۰.

۱-۲-۲- تصمیم به فرزنددار شدن

از دیگر اموری که رعایت آن زمینه‌ی مناسبی برای فرزند فراهم می‌کند، معاشرت و روابط صحیح و سالم پدر و مادر است. روابط درست والدین، علاوه بر این که الگوی سالم معاشرت را فرا روی فرزندان می‌گذارد، موجب می‌شود که فرزندان نیز برای والدین احترام ویژه‌ای قائل شوند و از آن‌ها حرف شنوی داشته باشند. روابط والدین دامنه گستره‌ای دارد. آن‌چه در اینجا مورد نظر است، بخشی از روابط والدین است که مربوط به دوران پیش از تولد فرزند، یعنی روابط آن‌ها در آمیزش و مباشرت است. در متون اسلامی از بزرگان دین نقل شده که پیامبر خطاب به حضرت علی (علیه‌السلام) سفارشات را در زمینه زمان، مکان و حالات روحی حاکم بر همسر در زمان آمیزش بیان داشته‌اند که مضمون روایت بدین شرح است:

برخورداری زوجین از نگرش مثبت و انگیزه‌ی غنی سبب به فرزند آوری و تشکیل خانواده، پرهیز از خستگی جسمی، کم‌خوابی، آزدگی روانی و آشفتگی عاطفی، برخورداری از چهره‌ای متبسم و گشاده و احساس خوشایند و قلبی آرام حداقل شرایط لازم و مناسب برای تشکیل نطفه و آغاز تکوین شخصیت انسانی دیگر است. چرا که اساساً فرزند آوری در نظام الهی، متضمن دعا و نیایش است و زوجین قبل از تشکیل نطفه با نیت و اراده، تمایل قلبی عزم مشترک، آمادگی خویش را برای فرزند آوری اعلام می‌دارد.^۱

۱. علی، حسین‌زاده، همان کتاب، ص ۴۴.

حالات روحی و معنوی انسان و حتی نوع غذای او به قدری در آسان‌سازی تربیت فرزند مؤثر است که پیامبر قبل از پیدایش تنها یادگاری خود، به امر پروردگار، چهل روز خلوت گزید و به روزه و عبادت پرداخت و در آخر هم از غذای بهشتی که جبرئیل برای او آورد، تناول کرد؛ و یازده امام معصوم از نسل او پدید آمدند.^۱

هم‌چنین پیامبر در پاسخ زنی که به عدالت خدا اعتراض داشت، به تأثیر غذای پدر، حتی در جسم فرزند اشاره می‌کند، وی نزد رسول خدا آمد و عرض کرد: ای رسول خدا، چگونه خدا عادل است در حالی که به من فرزند کوری داده؟ پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمودند: آیا شوهرت هنگام مباشرت با تو شراب خورده بود؟ زن عرض کرد: آری ای رسول خدا، حضرت فرمود: پس در این صورت، کسی جز خودت را ملامت مکن.^۲

بنابراین تأثیر آداب آمیزشی در تربیت فرزند در سیره‌ی معصومان و روایات ذکر شده که بر دو گونه است:

۱. تأثیر در صحت و سلامت جسمی و حتی چهره فرزند.

۲. تأثیر معنوی یا تأثیر در روح و روان فرزند.

پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به حضرت علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «یا علی لا تجامع امرأتک فی أول الشهر و وسطه و آخره فإن الجنون و الجزام و الخبل یسرع الیها و الی ولدها؛^۳ یا علی در اول، وسط و آخر ماه

۱. عباس، قمی، منتهی الآمال، ج ۲، قم، انتشارات هجرت، ۱۳۶۹، ص ۲۴۷.

۲. محمدعلی، کریمی‌نیا، الگوهای تربیت اجتماعی، چاپ اول، قم، انتشارات پیام مهدی، ۱۳۷۲، ص ۳۷.

۳. حسن بن فضل، طبرسی، مکارم الأخلاق، بیروت، انتشارات دارالبحور، ۱۴۰۸ق، ص ۲۱۹.

با همسرت هم‌بستر مشو زیرا احتمال جنون، جزام و فساد اعضا و عقل او و فرزندش را در این روزها زیادتر است».

۱-۲-۳- انعقاد نطفه

۱-۲-۳-۱- توجه به الله

در سیره معصومان (علیهم‌السلام) آداب و سنت‌هایی یافت می‌شود که از زمان قبل از انعقاد نطفه و بعد از تولد فرزند وجود دارد که می‌توان به آن‌ها عمل کرد، رعایت آدابی چون ذکر نام و یاد خدا، با وضو و طهارت بودن و دعا کردن پیش از آمیزش، موجب جلوگیری از دخالت شیطان می‌شود. قرآن کریم پس از ذکر این‌که شیطان بر آدم سجده نکرد و از درگاه خدا رانده شد و فرصت طلبید، می‌فرماید: «وَاسْتَفْزِزْ مَنْ اسْتَطَعْتَ مِنْهُم بِصَوْتِكَ وَأَجْلِبْ عَلَيْهِم بِخَيْلِكَ وَرَجِلِكَ وَشَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ...»؛ هر کدام از آن‌ها را می‌توانی با صدایت تحریک کن! و لشکر سواره و پیاده‌ات را بر آن‌ها گسیل دار! و در ثروت و فرزندان‌شان شرکت جوی!».

در این آیه به شیطان اجازه شریک شدن در مال و فرزندان‌شان داده شده است. مسأله شرکت در اموال روشن است؛ اما چگونه شیطان در فرزندان‌شان شریک می‌شود؟ در تفسیر صافی ذیل همین آیه از امام صادق (علیه‌السلام) چنین نقل شده است: «هنگام آمیزش و تشکیل نطفه اگر نام خدا برده شود، شیطان دور می‌شود، ولی اگر نام خدا برده نشود، شیطان داخل می‌شود و عمل از ناحیه شیطان و فاعل

۱. سوره اسراء (۱۷) آیه ۶۴.

به طور مشترک واقع می‌شود»^۱.

طبیعی است تربیت و هدایت فرزندی که شیطان در ایجاد او دخالت دارد مشکل‌تر خواهد بود؛ چنان‌که تربیت کسی که از راه حرام به دنیا آمده باشد دشوارتر است.

در روایات زیادی که از ائمه (علیهم‌السلام) نقل شده است برای جلوگیری از تشکیل این‌گونه نطفه‌ها به نقش دعا و تأثیر آن بسیار اشاره شده است از جمله این روایات عبارت است از:

امام باقر (علیه‌السلام) می‌فرماید: «اذا اردت الولد فقل عند الجماع: اللهم ارزقني ولداً واجعله تقياً في خلقه زیادةً او نقصاناً و اجعل عاقبته الی خیر»^۲ هرگاه فرزندی خواستی، هنگام آمیزش بگو بار الها فرزندی روزی‌ام کن و او را با تقوا قرار ده، نه زیادی در جسم او باشد، نه کاستی و او را عاقبت به خیر گردان».

۱-۲-۳-۲- غذای حلال و حرام

یکی از تأکیدات اسلام استفاده از غذای حلال است که به دست آوردن آن را جزء عبادات شمرده‌اند: «العبادة سبعة جزءاً أفضلها طلبُ الحلال»^۳ عبادت هفتاد جزء است، بهترین آن دنبال روزی حلال رفتن است».

کسب درآمد حلال مستلزم این است که دستورات عقل و شرع کاملاً رعایت شود. خداوند

۱. ملامحسن، فیض‌کاشانی، تفسیر صافی، ج ۳، چاپ اول، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۲ق، ص ۲۰۳.

۲. محمدبن یعقوب، کلینی، همان کتاب، ج ۶، ص ۱۰.

۳. محمدبن حسن، طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۶، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۶۵، ص ۳۲۴.

متعال در قرآن می‌فرماید: «كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ»^۱ و در جای دیگر می‌فرماید: «فَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا».^۲

همان‌گونه که محیط و افکار والدین در جسم و روح جنین اثر می‌گذارد، غذاها و آشامیدنی‌هایی که نطفه از آن منعقد می‌شود نیز در بچه تأثیر مهمی می‌گذارد به همین جهت والدین باید سعی کنند در شب و روز انعقاد نطفه از خوردن غذاهای حرام، فاسد، مسموم و آنچه در زشتی از نظر باطن و ظاهرش اثر می‌گذارد اجتناب ورزند و به جای آن از غذاهای حلال، پاک، سالم، انرژی‌زا و مؤثر در زیبایی روح و جسم انسان استفاده کنند.^۳

بنابراین هر کس خواستار فرزندانی زیبا صورت و نیکو منش است باید در غذایش دقت کند.

زن در هنگام حاملگی چنانچه این امر مهم را رعایت کند و مرد خانه با تهیه غذای حلال، زن را در این امر یاری کند نه تنها جسم کودک رشد سالم مادی خواهد داشت که رحم ظرف ظهور استعداد و زمینه سعادت در کودک خواهد شد. در واقع زن با انجام این وظیفه، قلبی نورانی پیدا می‌کند و کودکی که در دامن چنین بانویی پرورش یابد از رشد نورانی در استعدادها و مراقبت نفس برخوردار خواهد بود.

۱. سوره بقره (۲) آیه ۵۷.

۲. سوره نحل (۱۶) آیه ۱۱۴.

۳. حبیب‌الله، میرزایی، تربیت فرزند در پرتو رهنمودهای پیامبر اکرم (ص)، چاپ اول، مشهد، انتشارات عروج اندیشه، ۱۳۸۴، ص ۷۷.

در نتیجه می‌توان گفت تغذیه مناسب برای فراهم شدن زمینه‌های آرامش مادر در دوران بارداری یکی از حقوق مسلم کودک است که پایه‌های سلامتی جسمی و فکری نوزاد را تحکیم می‌کند.^۱

گفتار دوم: عوامل مؤثر بر تربیت

تربیت دارای مراحل و سطوحی است که خود محصول رعایت شرایط و اصول خاصی می‌باشد. عوامل بیرون از وجود انسان بر این تربیت اثر گذار بوده و انسان را در مسیر تربیت درست یاری کرده و یا از مسیر درست باز می‌دارد. گذشته از عوامل بیرونی، عوامل مهمی در درون انسان نیز وجود دارد که نقش بسزایی در تربیت دارد که برخی از این امور عبارتند از:

۲-۱- وراثت

یکی از عواملی که به نحوی در تکوین شخصیت کودکان و نوجوانان دخیل است و اساس تفاوت‌های فردی را به وجود می‌آورد، وراثت یا عوامل ژنتیکی است. به طور کلی مجموعه‌ی خصوصیات و ویژگی‌های غیر اکتسابی که از اجداد گذشته و از طریق والدین و توسط ژن‌ها به فرزند انتقال می‌یابد، وراثت یا انتقال ژنتیکی نامیده می‌شود. در جریان تشکیل نطفه، نقش عوامل

۱. محمدرضا، امین‌زاده، فرهنگ تعلیم و تربیت، چاپ اول، قم، انتشارات در راه حق، ۱۳۷۶، ص ۳۰۶-

ژنتیکی و سهم وراثت در تکوین شخصیت به معنای دقیق آن آغاز شده و خاتمه می‌یابد. از زمان تشکیل نطفه تا هنگام تولد عواملی که روی جنین تأثیر می‌گذارد، عوامل محیطی درونی یا مادرزادی هستند.^۱

صفتی که از طریق ژن‌ها به کودک منتقل می‌شود، ممکن است به طور مستقیم از طرف پدر و مادر یا از سوی پدربزرگ و مادر بزرگ و اجداد پیشین باشد.^۲ انسان‌ها از زمان‌های بسیار قدیم موضوع وراثت پی برده و توجه ویژه‌ای داشتند که فرزند از نظر شکل و قیافه و رنگ و برخی از صفات و خصوصیات جسمانی و نفسانی، به والدین و اجداد و سایر افراد نزدیک خود شباهت دارند. فرد را از قیافه تشخیص می‌دادند که از چه طائفه‌ای است؛ لذا علم قیافه شناسی اهمیت خاصی داشت. در ازدواج‌ها نیز خصوصیات جسمانی و اخلاقی طوائف را منظور می‌داشتند.^۳

هم‌چنین اثبات وراثت در ویژگی صنفی انسان‌ها نیز تا حدی معلوم است: نژاد سیاه، رنگ پوست، و دیگر امتیازهای نژادی خود را از والدین و اجداد خود به ارث می‌برد، نژاد سرخ، زرد و سفید نیز این‌گونه است. در این مورد نیز باید گفت: در نطفه‌ی پدر و مادر ویژگی‌های است که خصوصیات نژادی او را محفوظ می‌دارد.^۴

۱. محمدتقی، فلسفی، کودک از نظر وراثت و تربیت، چاپ سوم، تهران، انتشارات دفتر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۱، ص ۶۵.

۲. غلامعلی، افروز، همان کتاب، ص ۲۱۱۷-۲۲۰.

۳. علی، قائمی، تربیت و بازسازی کودکان، چاپ اول، تهران، انتشارات امیری، ۱۳۵۷، ص ۱۳۹-۱۳۷.

۴. ابراهیم، امینی، اسلام تعلیم و تربیت، چاپ اول، قم، مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۴، ص ۱۱۰-۱۰۸.

فرزندان، خصوصیات وراثتی را فقط از پدر و مادر به ارث نمی‌برد بلکه خصوصیات اسلاف دور و نزدیک نیز در ناهمگونی شخصیت آنان نقش اساسی دارند. رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله-وسلم) می‌فرماید: «تخبروا لنطفکم فإن النساء یلون اشباه اخوانهن و افواتهن؛^۱ برای نطفه‌های خود جای مناسبی برگزینید، زیرا زنان نظیر برادران و خواهران خود فرزند می‌آورند».

حدیث فوق علاوه بر توجه به علم وراثت جوانان را برای انتخاب همسر شایسته و شناخت خانواده همسر راهنمایی می‌کند.^۲

حضرت علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «حَسَنُ الْأَخْلَاقِ بَرَهُانُ كَرَمِ الْأَعْرَاقِ؛^۳ خوش اخلاقی، دلیل کرامت ریشه‌هاست».

تحقیقات جنین‌شناسی ثابت کرده که هر فرزندی ۱/۲ از خصایص موروثی خود را مستقیماً از والدین می‌گیرد. و ۱/۱ را از پدربزرگ و مادربزرگ و ۱/۴ را از اجداد دور دست و درجه دوم، از این رو بعضی از کودکان که از نظر شکل ظاهری و خصلت‌های باطنی هیچ نوع شباهتی به خواهران، برادران و والدین خود ندارند، خصایص ارثی خود را از اجداد دور دست گرفته‌اند.^۴

رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) درباره تأثیر وراثت می‌فرماید: «أَنْظُرُ فِي أَيْ نَصَابٍ تَضَعُ وَلَدِيكَ، فَإِنَّ

۱. محمد بن حسن، حرعاملی، همان کتاب، ج ۵، ص ۹۲.

۲. علی، رحمانی، آموزش خانواده (۱) پرسش و پاسخ‌های تربیتی، چاپ اول، قم، انتشارات پارسایان، ۱۳۸۷، ص ۱۲۱.

۳. عبدالواحد بن محمد، تمیمی آمدی، همان کتاب، ص ۷۲.

۴. محمد تقی، فلسفی، همان کتاب، ص ۵۸-۵۷.

العرقی دسّاس؛^۱ نگاه کن فرزندت را در کدام رحم قرار می‌دهی، چرا که رگ و ریشه، تأثیرگذار است».

در این حدیث با صراحت به قانون وراثت اشاره دارد و از عامل آن به کلمه «عرق» تعبیر می‌شود و پیامبر چنین سفارش می‌کند که از قانون وراثت غافل نباشید به گونه‌ای که سجایای اخلاقی، دلیل پاکی وراثت و فضیلت ریشه خانوادگی است.

به سبب نقش بزرگ وراثت آیین اسلام تأکید می‌کند که جوانان با خانواده‌های نجیب و اصیل و دین‌دار و با اخلاق ازدواج کنند.^۲

البته لازم به ذکر است که همه تأثیرهایی که وراثت در شکل‌دهی شخصیت آدمیان دارد، بر اثر تربیت و پرورش انسان قابل تغییر است بدین ترتیب که می‌توان از راه تربیت درست، از افرادی که وراثتی نادرست دارند، انسان‌های شایسته و نیک پرورش داد و اخلاق منفی که از طریق وراثت منتقل شده را با تربیت دینی و صحیح تغییر داد.

۲-۲- محیط

از دیگر عواملی که بر تربیت انسان از جمله کودک تأثیر گذار است عوامل بیرون از روح و روان و وراثت و فطرت انسان می‌باشد. جامعه و محیط پیرامون انسان نقش مؤثری در شکل‌گیری

۱. علاءالدین بن حسام الدین، متقی هندی، المرشد إلى كنز العمال فی سنن اقوال و الافعال، چاپ سوم، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ق، ص ۱۶۵.

۲. مهدی، نیک‌خو، گلبرگ زندگی، چاپ اول، قم، مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۶، ص ۹۳.

تربیت انسان ایفاء می‌کند. اصطلاح «محیط» برای همه، آشناست. در ادبیات و فرهنگ روان‌شناسی به همه عوامل خارجی مؤثر در رشد و تکامل فرد محیط گفته می‌شود که اعم از محیط رحم مادر، عوامل خارجی از قبیل: سطح اجتماع، اقتصاد خانواده، نوع خانه‌ای که کودک در آن زندگی می‌کند یا وضع کیفیت مدرسی که جامعه برای تربیت فرزندانش به وجود آورده است، می‌باشد. برای تربیت باید عوامل آن را شناخت و از عوامل تربیت به شکل دقیق، صحیح و مثبت آن بهره جست.

۲-۲-۱- نقش محیط از منظر اسلام

از دیدگاه اسلام برای تربیت و پرورش افراد جهت شکوفایی استعدادها و جلوگیری از هرز رفتن توانایی‌هایشان بایستی محیط سالم و مساعد به وجود آید تا هرکس به تناسب ظرفیت و گنجایش روحی خود بتواند به کمال مطلوب خویش دست یابد.^۱

به اعتقاد روانشناسان عوامل محیطی در رشد مادی و روحی جنین اثر دارد، به طوری که در حالات بعضی از بزرگان آورده‌اند که مادرانشان در طول مدت بارداری مشغول ذکر پروردگار بوده‌اند و در دوران شیرخوارگی بدون داشتن وضو و یاد خدا آنها را شیر نمی‌دادند. برخی از عوامل محیطی تأثیر گذار بر فرزند عبارت است از:

۱. مهدی، صانعی، پژوهش در تعلیم و تربیت اسلامی، چاپ اول، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی،

۲-۲-۱-۱- خانواده

مقصود از خانواده همه کسانی هستند که به طور مستمر یا غالب با کودکان زندگی می‌کنند، مانند: پدر و مادر، پدربزرگ و مادربزرگ، برادر و خواهر. در این میان پدر و مادر چون سرپرستی کودک را به عهده داشته و باعث وجود او هستند، در تربیت او نیز نقش مهم‌تر و وظیفه سنگین‌تری را بر عهده دارند.^۱

پدر و مادر نخستین کسانی هستند و با فرزندان خود در تماس‌اند، عالی‌ترین نقش را در زمینه پرورش و تربیت و رشد شخصیت فرزند ایفا می‌کنند. دامن پدر و مادر اولین محیط مقدس است که می‌تواند شایسته‌ترین فرزندان را تربیت نماید. والدین از یک سو منتقل‌کننده‌ی خصایص و ویژگی‌های وراثتی یعنی عامل وراثت‌اند و از سوی دیگر عامل محیط محسوب می‌شوند.

نقش خانواده در تربیت، قبل از تولد شروع و تا مدت زیادی بعد از تولد ادامه دارد، تأثیر خانواده مخصوصاً مادر به حدی بر کودک زیاد است که در بهشتی و جهنمی بودن فرزند تأثیرگذار است. در این زمینه پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمودند: «هما جَنَّتک و نارگ؟^۲ والدین بهشت و دوزخ را برای فرزندان مهیا می‌کند». از این حدیث به دست می‌آید والدین زمینه‌ساز بهشت و جهنم فرزندان می‌باشند: نکته دیگر اینکه برخورد اگر خوب باشد فرزندان احساس بهشت در این دنیا دارند و اگر برخورد بد باشد فرزندان احساس تلخی از خانواده خواهند داشت.

۱. حسین، مظاهری، همان کتاب، ص ۱۵۴.

۲. محمدبن حسن، حرعاملی، همان کتاب، ج ۷، ص ۵۹.

پدران و مادرانی که به فرزندان خود احترام می‌کنند و شخصیت آنان را بزرگ می‌دارند، با ادب و اخلاق با آنها معاشرت و برخورد می‌نمایند، قادرند کودکان خود را با اخلاق پسندیده و صفات حمیده تربیت کنند در نتیجه می‌توان گفت خانواده اصلی‌ترین کانون تربیت کودک است و پایه اولیه شخصیت کودک در آنجا شکل می‌گیرد.

۲-۱-۲-۲- محیط مدرسه و دوستان و معاشرت با آنان

یکی دیگر از عواملی که در تربیت کودک مؤثر است، نظام آموزشی است که می‌توان آن را به دو نظام رسمی و غیررسمی تقسیم نمود.

الف) نظام رسمی (مدرسه): کودکان و نونهالان بعد از نهاد خانواده وارد محیط آموزشگاه رسمی می‌شوند که با هم‌سن و سالان باید از یک مقررات و قانون اطاعت و پیروی کنند که آن را محیط مدرسه می‌نامند. این محیط برای کودک کاملاً تازگی و اهمیت دارد؛ و آموخته‌های گذشته خود و اخلاق و رفتاری را که در محیط محدود خانواده فرا گرفته، با کسب اطلاعات جدید و مشاهده اخلاق و رفتار اعضای اجتماع جدید، مورد بررسی قرار می‌دهد تا شکل ثابتی را برای خود برگزیند. بنابراین دوران طفولیت دوم که در مدرسه می‌گذرد بسیار مهم و سرنوشت‌ساز است. مدرسه چون خانواده عامل مهمی در پرورش جسمانی و روحانی کودکان و نوجوانان به شمار می‌آید. به عبارت دیگر مدرسه، خانه دوم کودک و یا اینکه دومین نهاد تربیتی در جامعه است.

و مرکز رسمی تعلیم و تربیت می‌باشد.^۱

محیط مدرسه، علاوه بر اینکه به شخصیت طفل ارزش می‌دهد باید زمینه را برای پرورش استعداد های او فراهم گرداند، مخصوصاً باید علاقه او را به امر یادگیری و کسب کمال برانگیزد.

هرگاه معلم، نمونه‌ای از رشد و کمال باشد (مخصوصاً در دوره دبستان) بر روی شخصیت کودک تأثیر فوق العاده‌ای دارد و در ترسیم صحیح مسیر آینده او سهیم است.^۲

خلاصه آنکه مدرسه مسیر زندگی شخص را تعیین می‌کند و نقش رابط بین نسل‌ها را ایفا می‌کند و فرهنگ جامعه را به نسل‌های بعد انتقال می‌دهد برای ایفای همین نقش به شکل دادن رفتار محصلان تلاش می‌کند.^۳

ب) نظام غیر رسمی (دوستان): یکی از عوامل بیرونی مؤثر در تربیت کودک، دوستان و هم‌سالان می‌باشد، که نقش بسزایی در تأثیرپذیری دارند. انسان دارای طبیعت اجتماعی است و نیازهای خود را نیز از اجتماع برآورده می‌کند. لذت بخش‌ترین ساعات زندگی برای کودک و جوانان ساعاتی است که با دوست خود به صورت صمیمی می‌گذرانند.

خواجه نصر الدین در بحث‌های تربیتی خود تأثیر هیچ چیز را در فرد، بیشتر از تأثیر همنشین و معاشر نمی‌داند. تأثیر دوستان و معاشرین در اطفال، به صراحت قوی‌تر از بزرگسالان

۱. علی اصغر، شبعان‌دخت، همان کتاب، ص ۱۲۴.

۲. احمد، بهشتی، اسلام و حقوق کودک، چاپ ششم، قم، انتشارات مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۷، ص ۱۱۹.

۳. علی اکبر، شعاری‌نژاد، روان‌شناسی رشد، چاپ دهم، تهران، انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۲، ص ۱۶۳.

بوده و تأثیر همسالان در رشد و شخصیت اطفال، مقام دوم را دارد.^۱

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) درباره دوست، مثال زیبایی بیان فرمودند: «مثل الجلیس الصالح مثل العطار إن لم یعطک من عطره اصابک من ریحہ»^۲ مثال همنشین صالح همانند عطاری است که از عطرش اگر به تو نبخشد، اما بوی عطرش به تو می رسد».

نتیجه دوستی، تأثیر و تأثری است که در بین آنان انجام می گیرد. کودک دوست خود را الگو می گیرد و از رفتارش تقلید می کند، به او اعتماد می نماید و گفتارش را باور می کند، همسان و هم رنگ او می شود به هر حال تأثیر متقابل دوستان در یکدیگر، امری است واضح و روشن، به همین جهت انتخاب دوستان را می توان یکی از عوامل مؤثر در تربیت دانست. اگر کودک و جوان با فرد فاسد و شرور بد اخلاق دوستی کند، هم رنگ او می شود و چنانچه با فرد صالح و خوش اخلاق دوستی کند، هم رنگ او می شود، بنابراین انتخاب دوست خوب یا بد، در سعادت یا شقاوت انسان تأثیر فراوانی دارد.^۳

دوستی و رفاقت آن قدر تأثیرگذار است که رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمودند: «المرء علی دین خلیله فلینظر أحدکم من یخایل»^۴ انسان بر دین و روش دوستش پرورش خواهد یافت، پس دقت کن با چه کسی دوست می شوی».

۱. نیک خو، مهدی، کودک و تربیت، چاپ اول، قم، انتشارات گلستان ادب، ۱۳۸۱، ص ۱۳۶.

۲. بهاء الدین، خرمشاهی، پیام پیامبر، چاپ اول، تهران، انتشارات منفرد، ۱۳۷۶، ص ۲۳۵.

۳. ابراهیم، امینی، همان کتاب، ص ۴۱۴.

۴. حسین بن محمد تقی، نوری، همان کتاب، ج ۸، ص ۲۳۷؛ محمد باقر، مجلسی، همان کتاب، ج ۷۱، ص ۱۹۲.

والدین نمی‌توانند و نباید فرزندان خود را از دوست گرفتن بازدارند، چون یک نیاز طبیعی است و جلوگیری از آن ممکن است موجب عکس‌العمل سوء روانی گردد، همانطور که حضرت علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «فَقَدْ الْأَحِبَّةُ غُرْبَةً؛^۱ فقدان دوست یک نوع غربت و تنهایی است» بلکه باید به او کمک کنند تا دوست خوبی انتخاب کند. ناگفته نماند که انتخاب دوست یک امر فرمایشی و دستوری نیست تا با دخالت و امر مستقیم والدین انجام بگیرد، کودک و جوان فردی را به دوستی می‌پذیرد که با استقلال و آزادی، او را انتخاب نموده باشد و دوست تحمیلی را دوست واقعی و قابل اعتماد نمی‌ماند.^۲

تأثیر پذیری دوستان از نظر منطق اسلام تا آن حد است که در روایات اسلامی از پیامبر خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) چنین نقل شده است: «در باره کسی قضاوت نکنید تا به دوستانش نظر بیفکند، چرا که انسان به وسیله دوستان و یاران و رفقاییش شناخته می‌شود».^۳

روایات زیادی در این زمینه وجود که نشان می‌دهد تا چه اندازه اسلام در مسأله انتخاب دوست سخت‌گیر، دقیق و مو شکاف است، چرا که «المرءُ علی دین خلیله؛^۴ انسان بر اساس دین و مذهب دوستش می‌باشد».^۵

۱. محمدباقر، مجلسی، همان کتاب، ج ۷۴، ص ۱۷۸.

۲. عباس، اسماعیلی یزدی، همان کتاب، ص ۶۶.

۳. عباس، قمی، سفینة البحار، ج ۲، تهران، انتشارات فراهانی، بی تا، ص ۲۷.

۴. محمدباقر، مجلسی، همان کتاب، ج ۷۴، ص ۱۹۲.

۵. ناصر، مکارم‌شیرازی، همان کتاب، ج ۷۴، ص ۷۱.

سفارشات مربیان الهی همواره این بوده است که والدین مراقب فرزندان خود باشند، آنان را از مفسد محیط، خطرات اجتماع و زیان‌های رفاقت با افراد آلوده و فاسد بر حذر دارند. در نتیجه باید گفت والدین هرگز به تربیت دوران کودکی و سرپرستی مربیان شایسته و صفات مورثی فرزندان نباید دل خوش کنند و از معاشرت نور چشمان خود با افراد نالایق غافل بمانند. فرزند حضرت نوح (علیه‌السلام) که از پیامبران شریعت است با آن همه شایستگی و لیاقت، در اثر معاشرت با افراد آلوده و تأثر از روحيات و صفات مادر نالایق، از دایره‌ی خاندان نبوت بیرون رفت «...إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ...»^۱ او از خاندان تو نیست، او عملی ناشایست و فردی نالایق است...».

۱. سوره هود(۱۱)آیه ۴۶.

فصل سوم

نقش مادر در تربیت کودک

گفتار اول: نقش اختصاصی مادر بر فرزند

۱-۱- مقام مادر و تأثیر او در تربیت

اسلام برای بهبود اجتماع و اصلاح شئون حیاتی جامعه کوشش به اصلاح زن کرده و ملاک مدنیت را به او وابسته دانسته است، البته حرمت و وجهی زن در اسلام به خاطر مادر بودن اوست نه جنسیت و تنها زاییدن او.

نظر به همین که مادر خوب در تکوین شخصیت طفل و پرورش همه جانبه‌ی او و در نتیجه بهسازی اوضاع جامعه نقش دارد در اسلام توصیه‌های بسیار به انتخاب همسر شده است. توصیه این است که در انتخاب همسر، عفت و اصالت خانواده، شرف و تقوا و ایمان زن در نظر بگیرید چرا که مادر بارزترین منشأ آسایش و مهر و عالی‌ترین منبع سعادت خانوادگی است. کامروائی در خانه، احساس امنیت و آرامش در آن و نیز احساس قدرت و استقلال کودکان در خانواده بستگی به وجود مادر دارد. در جنبه‌ی ساختن فرزند گرچه پدر نیز نقش دارد اما از دیدگاه زیست‌شناسان سهم مادر در تکوین جنین و نیز در انتقال صفات ارثی بیشتر از پدر است.^۱

بررسی‌های دانشمندان نشان داده است که گرچه می‌توان در خارج از رحم مادر دو سلول

۱. محمدعلی، حاجی آبادی، علی، حسینی‌زاده، بررسی مسائل تربیتی جوانان در روایات، چاپ اول، تهران، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تهران، ۱۳۸۵، ص ۱۳۰-۱۲۹.

نر و ماده را با هم ترکیب کرد و جنین زنده‌ای به وجود آورد اما برای به فعلیت رساندن و شکل آدمی بدان دادن به وجود مادر متکی و وابسته است. بر این اساس نقش مادر در ایجاد جنین و فراهم کردن زمینه برای رشد و تکامل آن فوق العاده مهم و حیاتی است و طبیعت زن در آفرینش، آماده پذیرش بار مسئولیت تربیتی کودک است.^۱

از سوی دیگر انگیزه مادری که لطیف‌ترین و قوی‌ترین انگیزه‌هاست در نهاد زن به ودیعت گذاشته شده است و او را مظهر لطف و صفا و عنایت و محبت برای کودک ساخته است. مادر چهره‌ی دوست‌مسرور می‌سازد و چار دیواری خانه را مدینه‌ی فاضله می‌سازد و به پرورش و سازندگی شخصیت‌ها می‌پردازد.

مادر موجب تحول در جسم و روان کودک است، تربیت به معنای وسیع و عام کلمه در قلمرو و در حیطه‌ی صلاحیت مادر است. اوست که می‌سازد و می‌تواند در فرد تغییر و تحول ایجاد کند به خصوص وقتی که این زمینه با عامل انضباط پدر آمیخته شود. تربیت را اگر امری دائمی به حساب آوریم و نیز براساس سنت اسلام اگر کودک را تا ۷ سال اول در خانه و همراه مادر دانست. بایستی اعتراف کرد که بخش اعظم تأثیر پذیری‌ها از سوی مادر است و بیشتر خلق و خوی‌ها و رفتارهای کودکان حتی در سنین جوانی و بعد از آن منشاء گرفته از مادر است.^۲

۱. علی، قائمی، نقش مادر در تربیت، چاپ اول، تهران، انتشارات شفق، ۱۳۶۳، ص ۱۳.

۲. محمدصادق، دهقان، مادری در نگاه دینی و عینیت اجتماعی، چاپ اول، تهران، انتشارات مرکز دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۹۲، ص ۵۴.

۱-۲- تأثیر رفتار و اخلاق مادر بر فرزند

اخلاق برای آدمی کلیدی جهت ورود به دنیای سعادت و وسیله‌ای برای کنترل و ضبط نفس می‌باشد، حل بسیاری از مشکلات و نا به سامانی‌ها از طریق اخلاق امکان‌پذیر است. انسان در سایه اخلاق قادر به کنترل خود و هوس‌های شخصی و یافتن توشه‌ای برای به کار بردن در مسیر زندگی و طبعاً به آرامش درونی نایل می‌آید.

از آنجا که مادر سازنده‌ی زیربنای اخلاقی جامعه است، اوست که پایه‌های اخلاقی را در ذهن کودک استوار می‌سازد و با نشان خوبی و بدی، زشتی و زیبایی کودک را به اصولی پای‌بند می‌سازد، بررسی‌ها نشان داده‌اند که بخش اعظم این اصول تا پایان عمر کودک همراه اوست. بنابراین روی این جنبه‌ها و هم بر اساس وظیفه است که مادران باید پاک و مهذب باشند، رفتارشان بر اساس معیاری شکل یافته باشد، زندگی توأم با فضیلت داشته و از ادب و انسانیت برخوردار و در رفع نقایص خود کوشا باشند.^۱

دامان مادر نخستین مدرسه و اولین پایگاه تربیتی است. در این مدرسه کودک، موجودی است تحریک‌پذیر و نفوذپذیر که علم و اخلاق و دین می‌آموزد و آنچه کودک در این مدرسه می‌آموزد برای همیشه در نزدش می‌ماند. طفلی که پای به عرصه‌ی این جهان می‌گذارد آگاهی و نیرویی ندارد، کاملاً متکی به مادر است، برای کسب غذا و به دست آوردن امکانات آنچه مادر

۱. علی، قائمی، شناخت، هدایت و تربیت نوجوانان و جوانان، چاپ چهارم، تهران، انتشارات امیری، ۱۳۶۸،

می‌گوید او عمل می‌کند، بر این اساس تا مادر خود را از عوامل فساد و اخلاق ناپسند دور ندارد، نمی‌تواند امیدوار به زندگی خوب فرزندش باشد. تأثیر اخلاق مادر به گونه‌ای است که حتی می‌توان ادعا کرد که راه و رسم زندگی بعدی کودک ادامه همان راه و رسم مادر در عصر کنونی است.^۱

کودک به همراه رشد، مسائل متعددی را از راه چشم و گوش یاد می‌گیرد ولی آنچه در جنبه‌ی اخلاقی از راه چشم می‌بیند برایش مؤثرتر و در او نافذتر است. صدها پند و اندرز که از راه گوش بر کودک القاء شود به اندازه‌ی آن اثر ندارد که مادر در حضور کودک خلافی را مرتکب شود؛ زیرا آنچه را طفل می‌بیند جزء خوی طبیعی او می‌شود. بدین سان می‌توان مدعی شد که عملی‌ترین وسیله تربیت ارائه یک نمونه عملی است و طفل مادر را به عنوان الگوی عملی در پیش چشم دارد، هر گونه اخلاق و رفتاری که از او سرزند در طفل اثر می‌گذارد.^۲

کودکی که ببیند مادرش دروغ می‌گوید، در بیان حقایق به پدر خیانت می‌ورزد، به هر ننگ و عاری تن در می‌دهد بد دل و سخت‌گیر است نمی‌تواند خلاف آن رفتار کند، برعکس طفلی که مادرش را امین اهل خانه، خوش رفتار، دارای طبع راست و دارای قلبی سلیم و با اخلاق می‌بیند خود به احتمال قوی آن چنان خواهد بود و از سوی دیگر چون خمیر مایه‌ی اخلاق را مادر در

۱. حسین، مظاهری، تربیت فرزند از نظر اسلام، چاپ دهم، تهران، انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۱، ص ۷۳.

۲. جان، الیاس، فلسفه تعلیم و تربیت در قدیم و معاصر، ترجمه عبدالرضا ضرابی، چاپ اول، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۲، ص ۱۹۶.

نهاد کودک بار می‌نهد و اوست که فکر و اندیشه‌ی او را اصلاح کرده و جهتمی‌دهد، باید به این نکته توجه کرد که این مسأله امری نیست که به سرعت و یا با خشنونت انجام شود لذا رفتار آرام و تدریجی مادر بهترین ضامن تعادل عاطفی و اخلاقی کودک است و طفل به تدریج با اصول و ضوابط اخلاقی آشنا می‌گردد. بنابراین مادر می‌بایست حوصله و صبر کافی به خرج دهد، نباید احساسات کودک را جریحه دار کرد، نباید او را برنجانند، مسخره‌اش کند و... زیرا این عوامل بد آموزی در تربیت به حساب می‌آیند و برای آینده‌ی کودک لطماتی را موجب می‌شود.^۱

۳-۱- تأثیر تقوا و عبادت مادر بر فرزند

اساس اجتماع اسلامی و جامعه آن بر شرف و تقواست و این هنگامی امکان‌پذیر است که برنامه تربیت بر این اساس استوار گردد. انجام این خواسته ممکن نیست جز به هنگامی که مادران پاک سرشت و پرهیزگار، سرپرستی و انجام آن را عهده‌دار گردند. مادران نخستین کسانی هستند که بذر تربیت را در جان و روان کودک می‌پاشند و نهال آن را آبیاری می‌کنند. طرز تفکر و رفتار مادر در سازندگی کودک مؤثر است و اوست که می‌تواند کودکان را براساس مبادی آداب اسلامی پیروارند و تربیت کند.

در امر تربیت، تقوا لازمه شخصیت مادر است؛ آن هم یک تقوای حقیقی نه تصنعی، مادر

۱. مهدی، نیک خو، گلبرگ زندگی، تهران، بی‌نا، ۱۳۸۶، ص ۱۹۳.

نیازمند است از هرچه که عنوان گناه و انحراف دارد دور و فراری باشد و در خود حالت مصونیت از گناه پدید آورد. این امر برای او خصوصاً از آن جهت ضروری است که او لازم دارد برای نیک پروراندن کودک بر نفس چیره شود، بر باطل غالب آید، حقوق افراد را رعایت کند والا پند و اندرز گویی‌های مادر، راهنمایی‌ها او در کودک مؤثر نیست.^۱

خویش‌داری و تقوا برای مادر نه تنها یک خصلت بلکه جهاد بزرگی است، جهادی که در سایه آن جان صفا پیدا می‌کند و آثارش در عمل تربیتی فرزندش و نیز در رخسار مادر به صورت متانت و وقار، شرم و حیاء پیدا می‌شود. و از جمله آثار تربیتی تقوای مادر بر فرزند می‌توان به این مطلب اشاره کرد که تقوای مادر باعث ایجاد فضیلت‌ها و خصلت‌های انسانی و اخلاقی در کودک می‌شود، شخصیت طفل را مستقل و آزاد و از هر گونه انحراف و بی بند و باری و فساد دور می‌دارد.^۲

تقوای مادر نیروی ذخیره در فرزند ایجاد می‌کند و او را مقابل با شکست یاری می‌دهد و طبعاً کودکانی که در سایه چنین وصفی پرورش یابند آرامش و قدرت روانی دارند و در برابر دشواری‌ها مقاوم می‌گردند. مادر الگوی رفتار کودک است و از این نظر ضروری است با تقوا باشد حیله و تدلیس در او نباشد از ریا و کذب، خودپسندی و غرور به دور بماند، در برابر خوشبختی و بدبختی دیگران حساس نباشد نه بی تفاوت اهل غیبت و حسد نباشد و با تعارفات تصنعی زندگی

۱. علی، قائمی، نقش مادر در تربیت، همان، ص ۱۴۱.

۲. علی اصغر، شعبان‌دخت، همان کتاب، ص ۸۵.

خود و دیگران را رنگ ندهد، در چنین صورتی است که طبعاً خصوصیات نیک در کودک استوار و ریشه‌دار می‌گردد.^۱

خلاصه آنچه در تقوا مدنظر است نگهداری نفس از گناه و پرهیز از امور شبه‌ناک است و مادر باید در جنبه‌ی خودداری و نگهداری نفس به درجه‌ای رسد که مصونیت از گناه و انحراف برای او پدید آید، در همه حال قلب او به خدا پیوند داشته و او را مراقب کار و رفتارش بداند و با جان پاک به تربیت نسل پرداخته و آنان را برای آینده، افرادی مؤثر و مفید پروراند.

مادر در طی مراحل متعدد تربیت کودک نیازمند است که بردبار و در برابر دشواری‌ها مقاوم و در برابر ناکامی‌ها صبور و خوددار باش. مادر الگوی کودک است و اگر بخواهیم نسلی سالم و مسلمان به جامعه تحویل دهد چاره‌ای ندارد جز آنکه به خدا ایمان داشته و دائماً در تمرین عبادتی باشد. عبادت ایجاد پیوند با خواست و برای مادر موجب فرصتی است تا نفسی تازه کند و با قدرت و تلاش جدید به کارش با علاقه و عشق‌ورزی ادامه دهد.^۲

آنچه از عبادت مادر مدنظر است پیوندی دائمی با خداست. بدان گونه که جز او همه چیز را پوچ و فنی بداند. آنچه در این عبادت مهم است وجود عشق و علاقه مداوم و یادآوری قلبی خداست. آنچنان که جلوه‌اش و اثرش در فکر و در زندگی مادر عیان باشد، آنچه در عبادت مطرح

۱. علی، قائمی، شناخت، هدایت و تربیت نوجوانان و جوانان، چاپ چهارم، تهران، انتشارات امین، ۱۳۶۸،

ص ۱۴۲.

۲. راضیه، محمدزاده، همان کتاب، ص ۶۲.

است، همه‌اش شب زنده‌داری، بی‌خوابی و گریه و زاری نیست، قرآن خواندن‌ها، ذکر و تسبیح‌ها، دعاگویی‌ها، توسل‌ها، همه و همه عبادت است به عبادت ساده‌تر منظور از عبادت اصولاً زندگی در جو قرآن است.^۱

روش عبادتی مادر باید فعالیت در میدان شناخت خدا باشد، و فرمانش را در همه جوانب زندگی نفوذ دهد، بدان گونه که تمام جوانب حیاتش تحت الشعاع خدا باشد، کردار و تفکر و حتی رفتار او بدین گونه رنگ گیرد و دلش چون آینه‌ای بی‌غبار برای تجلی حقیقت گردد.

انجام عبادت در رفتار مهم است. روح دینی را باید از راه عمل در کودک نافذ ساخت نه از راه حرف و سخن. اگر مادر به فکر پرورش افرادی خاشع و فروتن در برابر خداست، چاره‌ای ندارد جز آنکه خود نمونه‌ی عملی خشوع و خضوع درگاه الهی باشد. سیره و رفتارش به تمام معنا و به تمام جنبه‌های اسلامی و قرآنی باشد، روح خلوص و خضوع مادر در حین عبادت، تضرعات و خیرخواهی‌های او، بیداری‌ها و شب زنده‌داری‌هایش، عمل و رفتار اسلامیش در کودک مؤثر است. او در سایه عبادت شخصیتی مستقل با ملاک‌های ایمانی ثابت و استوار پیدا می‌کند. از رذیلت‌ها و پستی‌ها دور می‌شود و همین خصایص در فرزند او اثر می‌گذارد و او را آنچنان می‌پروراند.^۲

۱. علی، حسینی‌زاده، همان کتاب، ص ۹۸-۹۷.

۲. احمد، بهشتی، تربیت کودک در جهان امروز، چاپ سوم، قم، انتشارات مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۷۷،

اثر فعالیت‌های عبادتی مادر همیشه حتی پس از مرگش در ذهن کودک نقش بسته است و آدمی را به یاد آن می‌اندازد. امام حسن مجتبی (علیه‌السلام) درباره‌ی مادرش می‌گوید: «شب‌ها تا به صبح او را در محراب عبادت می‌دیدم که سرگرم دعا بود و اول همسایه‌ها را دعا می‌کرد».

خلاصه آنکه زمزمه‌ی دینی مادر می‌تواند موجبی برای متدین کردن کودک باشد همان‌گونه که دیگر زمزمه‌ها، زمینه‌های دیگری را در کودک ایجاد می‌نماید. و چه زیباست که عبادت در همه مراحل زندگی کودک از تشکیل جنین تا پایان دوران تربیتش در خانه باشد، در انعقاد نطفه در مرحله‌ی جنینی و در ایام رضاع و... یاد خدا برای کودک موجود باشد. بدین منظور مادر نمی‌تواند یک عبادت تصنعی و موقتی داشته باشد بلکه در همه شئون و جوانب حیات باید عابد باشد و نیز عبادت‌ها تنها لحظات خلوت با خدا در حال نماز و روزه نیست بلکه در موارد دیگر زندگی هم باید مدنظر باشد و لحظه‌ای از یاد خدا غافل نباشد.^۱

۱-۴- مقدمات اولیه بعد از تولد فرزند

با آغاز تولد وظایف مادر رنگ و صورت دیگری به خود می‌گیرد. بار مسئولیتش سنگین‌تر و در عین حال لذت بخش می‌شود. او در دنیای دیگری وارد می‌گردد، فکر و اندیشه‌اش، جهان-بینی‌اش ذوق و سیلقه‌اش همه و همه فرم کامل‌تری پیدا می‌کند. او خود را در برابر کودک خویش

۱. حیدر، قنبری، داستان‌های شگفت‌انگیز از تربیت فرزند، چاپ اول، قم، انتشارات فاتح خبیر، ۱۳۸۵،

مسئول می‌بیند، مسئول غذایش، مراقبتش، حمایتش و... اسلام به این نکته توجه کرده و برای پرورش صحیح کودک دستور و برنامه‌هایی را قبل از تولد مدنظر قرار داده است، آموزه‌هایی را هنگام و پس از تولد کودک دارای اهمیت داشته است که به مواردی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱-۴-۱- سپاس‌گزاری

سپاس‌گزاری عبارت است از سپاس بر درگاه احدیت بر سلامتی نوزاد. چنانچه هرگاه امام سجاد(علیه‌السلام) را به نوزادی مژده می‌دادند نمی‌پرسیدند که پسر است یا دختر؛ تنها می‌پرسیدند آیا سالم است یا نه؟ و پس از شنیدن جواب، رو به درگاه الهی کرده و عرضه می‌داشت: «الحمد لله الذی لم یخلق منی شیئاً مشوها؛ خدا را سپاس گزارم که فرزند ناقص و معیوبی به من نداده است»^۱.

۱-۴-۲- بزرگداشت ولادت

آداب و تربیتی که از نظر مکتب اسلام در هنگام تولد کودک توصیه شده است، برای ارزشمندی و بزرگداشت شخصیت کودک از جهاتی حائز اهمیت است، چرا که خداوند متعال تولد کودک را شاهکار خلقت و آفرینش دانسته، به خالق بهترین مخلوقات تبریک می‌گوید و به همین سبب است که تبریک و تهنیت مسلمانان به خانواده‌ای که صاحب فرزند می‌شود، بسیار

۱. محمدباقر، مجلسی، حلیة المتقین، قم، انتشارات طاهر، ۱۳۶۴، ص ۷۸.

مستحب، نیکو و پسندیده است.^۱

۱-۴-۳- شیر دادن

پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) می فرماید: «لَيْسَ لِلصَّبِيِّ لَبَنٌ خَيْرٌ مِنْ لَبَنِ أُمِّهِ»^۲ برای طفل، هیچ شیری بهتر

از شیر مادر نیست».

حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: «مَا مِنْ لَبَنٍ وَضِعَ بِهِ الصَّبِيُّ أَعْظَمُ بَرَكَةً عَلَيْهِ مِنْ لَبَنِ أُمِّهِ»^۳ برای

کودک هیچ شیری با برکت تر از شیر مادر نیست».

اولین شیری که از پستان مادر خارج می شود آغوز نام دارد. آغوز حاوی مواد مغزی فراوان

و عوامل این بخش است که نوزاد را بر علیه بسیاری از عفونت‌ها محافظت می نماید. آغوز

خواصی ضد ویروسی قوی دارد، حاوی عواملی است که با باکتری‌ها حمله می کند، سیستم ایمنی

نوزاد را تقویت می کند و منبع مهمی از ویتامین A می باشد.

همچنین آغوز دارای فاکتورهای رشد است که باعث تحریک روده‌ی نارس کودک شده و

فاکتورهای رشد روده‌ی نوزاد را برای هضم و جذب شیر آماده می کند و از جذب پروتئین‌های غیر

قابل هضم جلوگیری می نماید. تعداد گلبول‌های سفید و مقدار عناصر عفونی و ضد میکروبی موجود

۱. حسین، موسوی رادن لاهیجی، پدر، مادر، معلم مرا خوب تربیت کن، چاپ دوم، قم، انتشارات امام شناسی

و آثار الحجّة، ۱۳۸۷، ص ۲۲۷.

۲. حسین بن محمد تقی، نوری، همان کتاب، ج ۱۵، ص ۱۵۶.

۳. محمد بن حسن، حر عاملی، همان کتاب، ج ۷، ص ۱۷۵.

در آغوز ده‌ها، صدها و بعضاً هزاران برابر شیر مادر است و لذا مادران توصیه می‌شود تا آنجا که می‌توانند آغوز را تمام و کمال به نوزادشان بدهند و شیردهی را هرچه زودتر بعد از تولد و به دفعات مکرر و مطابق میل شیرخوار آغاز نمایند. این طریق شیردهی باعث می‌شود بعد از چند روز شیر کامل در پستان‌ها جریان پیدا کند.^۱

۱-۴-۴- غسل دادن کودک بعد از تولد

یکی از مواردی که در امر تربیت کودک مؤثر است، غسل دادن است که در اسلام به آن توصیه شده است. درباره غسل دادن کودک چند نکته قابل توجه است:

۱. مقصود از این غسل، شستشوی نوزاد نیست بلکه مقصود، غسل به مفهوم شرعی آن است، بنابراین کسی که نوزاد او را غسل می‌دهد، باید احکام غسل مانند قصد قربت و تربیت را رعایت نماید؛

۲. استحباب این غسل مشروط به ضرر نداشتن آب برای کودک است: «يستحب غسل المولود عند وضعه مع المأمن من الضرر»^۲ مستحب است شستن و غسل دادن بچه‌ای که تازه متولد شده در صورتی که غسل برای بچه ضرر نداشته باشد». استحباب غسل دادن نوزاد، هنگام تولد است و تأخیر آن دو سه

۱. فلیستی، ساویج کنیگ، کمک به مادران شیرده، ترجمه پروین دهقان، چاپ اول، بی‌جا، انتشارات دانشگاه علوم پزشکی ایران، ۱۳۷۰، ص ۴۲.

۲. روح‌الله، خمینی، تحریر الوسیله، تهران، انتشارات اسلامی، بی‌تا، ج ۳، ص ۵۵.

روز مانعی ندارد.

۱-۴-۵- گفتن اذان و اقامه در گوش نوزاد

اسلام از اولین لحظه تولد، پرورش روح مبنی بر اخلاق و ایمان و سایر عواطف عالیه می‌پردازد. اولین قدمی که والدین برای کودک برمی‌دارند، آموختن نام پروردگار و آفریننده‌ی جان و پاشیدن بذر توحید و ایمان از همان لحظه‌ی اول در سرزمین دل کودک است.

بیان نام خدا در گوش نوزاد زمینه‌های تربیت روحی و معنوی کودک را مهیا می‌کند. برای

آشنایی با این فرهنگ اسلامی لازم است به نکات ذیل توجه شود:

۱. اذان، باید در گوش راست نوزاد گفته شود و اقامه در گوش چپ او؛

۲. هنگام اذان گفتن و اقامه در گوش نوزاد در برخی از روایات آمده است که پس از بلند

شدن صدای طفل و در برخی دیگر از روایات، قبل از افتادن بند ناف او ذکر شده است؛

۳. این سنت حاکی از نقش آفرینی نخستین صدا در طیب کودک و تأثیر آن در تربیت و

سرنوشت اوست.^۱

نخستین کاری که پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) پس از تولد فرزند انجام می‌دادند؛ این بود که

در گوش راست او اذان و در گوش چپش اقامه می‌گفتند: «ان رسول الله اذن فی اذن الحسن بن علی حسین

۱. محمد، محمدی‌شهری، حکمت‌نامه، ترجمه عباس پسندیده، چاپ اول، قم، انتشارات دارالحدیث،

ولده فاطمه (سلام الله علیها)؛ هنگامی که امام حسن (علیه السلام) متولد شد پیامبر در گوش او اذان گفت.^۱

البته آثار جسمی و روحی دیگری نیز در روایات برای این عمل بیان شده است، از جمله محفوظ ماندن از جنون، پیسی، غش و...^۲

۱-۴-۶- کام برداشتن

از دیگر آدابی که معصومان در آغاز تولد فرزند رعایت کرده‌اند، برداشتن کام نوزاد است. کام برداشتن بدین معناست که مقداری خرما، شیرینی یا چیز دیگری را نرم و ملایم کرده و به صورت مایع در می‌آورند و آن را به حلق کودک می‌ریزند.^۳

پیامبر و ائمه (علیهم السلام) علاوه بر اینکه، خود به این سنت عمل می‌کردند، دیگران را نیز به آن سفارش می‌کردند، امام صادق (علیه السلام) از حضرت علی (علیه السلام) نقل می‌کند که می‌فرمود: «حنکوا أولادکم بالتمر، فکذا فعل رسول الله بالحسن و الحسین؛^۴ کام فرزندان را با خرما بردارید؛ زیرا پیامبر با حسن و حسین (علیه السلام) چنین کرد».

هم‌چنین انس بن مالک می‌گوید: «وقتی ام سلیم پسری به دنیا آورد، با فرزندش نزد پیامبر رفتیم. حضرت از او پرسید: آیا چیزی همراه داری؟ گفت: آری چند دانه خرما؛ پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) خرما را

۱. محمدباقر، مجلسی، بحارالانوار، همان، ج ۹۷، ص ۱۲۳.

۲. ر. ک محمدبن حسن، حرعاملی، همان کتاب، ج ۱۵، ص ۱۳۷؛ حسین بن محمدتقی، نوری، همان کتاب، ج ۱۵، ص ۱۳۷؛ علاءالدین بن حسام الدین متقی هندی، همان کتاب، ج ۱۵، ص ۴۵۷.

۳. فخرالدین، طریحی، مجمع البحرین، ج ۲، چاپ دوم، تهران، انتشارات نشر فرهنگ اسدی، ۱۳۶۷، ص ۵۹.

۴. محمدبن حسن، حرعاملی، همان کتاب، ج ۱۵، ص ۱۳۷.

گرفت و با آن کام نوزاد را برداشت»^۱.

بنابراین کام برداشتن، از سیره‌ی معصومان (علیهم‌السلام) است؛ در روایات برای کام برداشتن با برخی از این چیزها، فوایدی ذکر شده است. برای مثال امام صادق (علیه‌السلام) کام برداشتن با تربیت امام حسین (علیه‌السلام) را موجب ایمنی فرزند می‌داند: «حَنَكُوا اولادکم بتربة الحسین (علیه‌السلام) فإِنَّه أمان»^۲ کام فرزندانان را با تربیت امام حسین (علیه‌السلام) بردارید که ایمنی بخش است». مراد از امان ممکن است ایمنی از شیطان یا بلا و امراض یا هر دو باشد.^۳

کام برداشتن با تربیت امام حسین به دلیل قرب و منزلتی که امام نزد خدا دارد، آثار روحی و معنوی بسیاری دارد. در روایات متعدد آثار مادی و معنوی بسیاری برای آن یادآور شده‌اند و حتی درد شناسی بیماران مؤثر دانسته شده است. افراد بسیاری نیز آن را تجربه کرده‌اند.

باید آور شویم که مستحب است کام برداشتن به دست بزرگان دین و افراد صالح و با تقوا انجام پذیرد. این امر، علاوه بر آثاری که در روایات آمده، نوعی تیمن و تبرک است و چون مستحب است هنگام کام برداشتن برای کودک دعا کنند، دعا بزرگان برای کودک تأثیرات معنوی فراوانی خواهد داشت. در صدر اسلام به طور معمول کام کودکان مسلمان را پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله-وسلم) و ائمه (علیهم‌السلام) برمی‌داشتند و برای آن‌ها دعا می‌کردند.

۱. احمدبن محمد، ابن حنبل، مسند، ج ۳، بیروت، دار صادر، بی تا، ص ۲۸۸.

۲. حسین بن محمد تقی، نوری، همان کتاب، ج ۱۵، ص ۱۳۸.

۳. مهدی، نیک خو، همان کتاب، ص ۶۴.

۱-۴-۷- تراشیدن سر نوزاد

از دیگر آداب و سنت‌های که پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در روز هفتم ولادت کودک انجام می‌داد، تراشیدن سر نوزاد و صدقه دادن به وزن موی اوست.

از امام صادق (علیه‌السلام) درباره فلسفه تراشیدن موی سر نوزاد سؤال شد که حضرت فرمودند: «تطهیره من شعر الرّحم؛^۱ به جهت پاکی کردن او از موی دوران رحم است».

در برخی از روایات نیز فوایدی برای آن ذکر شده از جمله باز شدن چشمه‌های پوست سر و نفوذ هوا در پوست و تقویت بینایی کودک.^۲

صدقه دادن نیز چنان‌که در روایات آمده است، موجب دفع بلاها بسیاری می‌شود؛ وی در این باره که برای کودک چرا باید به وزن موی سر او صدقه داد، در روایات چیزی نیامده است و علت این امر نیز بر ما روشن نیست.^۳

۱-۴-۸- قربانی کردن

قربانی کردن برای نوزاد که در اصطلاح فقه آن را عقیقه می‌گویند، عبارت است از ذبح گوسفند هنگام ولادت برای اطعام مردم.

۱. علی اصغر، شعبان‌دخت، همان کتاب، ص ۴۱.

۲. عبدالله، ناصح علوان، تریبۃ الاولاد فی الاسلام، ج ۱، بیروت، انتشارات دارالسلام، ۱۴۰۶ق، ص ۷۸.

۳. علی، حسینی‌زاده، همان کتاب، ص ۸۱.

عقیقه از سنت‌هایی است که از زمان حضرت ابراهیم رواج یافت. هدف از عقیقه، تنها آثار اجتماعی اطعام نیست، گرچه آن نیز در نظر است. اما هدف اصلی از عقیقه این است که این قربانی در برابر جان کودک و برای تقرب به خدا ذبح می‌شود. «کلّ مولود مرتهیّ بالعقیقه؛^۱ هر مولودی در گروه عقیقه است».

برخی از آثار عقیقه عبارت است از:

۱. عقیقه، مایه تقرب کودک به خدا، توجه خدا به کودک و خواری شیطان و دوری از

انسان است.^۲

۲. عقیقه، شکرانه نعمتی است که خدا به انسان عطا کرده است.^۳

۳. عقیقه مستحب مؤکد است.^۴

۱-۴-۹- ختنه کردن

یکی از دستورات و آداب اسلامی ختنه کردن است. در اسلام، ختنه کردن پسر در روز هفتم ولادت مستحب است و تأخیر آن تا هنگام بلوغ جایز است هر چند احتیاط این است که تا قبل از بلوغ این عمل انجام گیرد. امام محمدباقر (علیه السلام) فرمودند: «ختن رسول الله الحسن و الحسين

۱. محمدبن یعقوب، کلینی، همان کتاب، ج ۶، ص ۲۴.

۲. علی اصغر، شعبان دخت، همان کتاب، ص ۹۶.

۳. ابراهیم، امینی، همان کتاب، ص ۴۶.

۴. محمد، محمدی‌شهری، حکمت نامه کودک، همان، ص ۸۶-۸۵.

سبعة ایام؛^۱ پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم) امام حسن و امام حسین (علیهم السلام) را در روز هفتم ولادت ختنه کرد». در روایات استفاده می شود که ختنه به خاطر نظافت و بهداشت جسمی فرزند است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: «طهروا اولادکم یوم السابع فانه اطیب و اطهر و اسرع انبات الحم و ان الارض تنجس من بول الأغلف اربعین صباحاً»^۲ روز هفتم (تولد) فرزندان را با ختنه پاکیزه کنید، چرا که مایه تمیزی و پاکیزگی بیشتر و رویش شتابنده تر گوشت است و زمین، چهل روز از بول شخص ختنه نشده آلوده می شود».

۱-۵- تأثیر غذای حلال در تربیت معنوی فرزند

از دیدگاه مکتب وحی، عوامل مؤثر در ساخت شخصیت و سرنوشت روحی و معنوی انسان بسیارند. در این میان می توان به تأثیری که نوع تغذیه از نظر روحی و معنوی در سرنوشت انسان دارد اشاره کرد. اسلام شیر مادر را بهترین غذا برای کودک و یک حق طبیعی او می داند. قرآن کریم در سوره بقره درباره شیر دادن می فرماید: «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ...»^۳ مادران فرزندان خود را دو سال تمام، شیر می دهد؛ این برای کسانی است که بخواهد دوران شیر خواری را تکمیل کند».

امام باقر (علیه السلام) می فرماید: «برای فرزندت، شیر رایگان خوب روی را درخواست کن و از شیر

۱. محمدباقر، مجلسی، بحارالانوار، همان، ج ۱۰۴، ص ۱۲۰.

۲. محمدبن یعقوب، کلینی، همان کتاب، ج ۶، ص ۳۵.

۳. سوره بقره (۲) آیه ۲۳۳.

رایگان پرهیز، زیرا شیر (خصلت‌های شیر دهنده) را سرایت می‌دهد.^۱

در اسلام تأکید شده که تا حد امکان، کودک از شیر مادر تغذیه کنید و اگر ناچار شدید برای فرزندان دایه بگیرید، دقت کنید عاقل، زیبا، خوش اخلاق و سالم باشد، چون شیر به هر حال، در کیفیت پرورش کودک تأثیر دارد.^۲

از مادر مقدس اردبیلی سؤال کردند: «سبب مقام ارجمند مقدس اردبیلی چیست؟ فرمود: من هرگز لقمه شبهه‌ناک نخوردم و قبل از شیر دادن بچه وضو می‌گرفتم و ابداً چشم به نامحرم نینداختم و بعد از شیر گرفتن؛ باز در امر تربیت او کوشیدم و نظافت و طهارت را مراعات داشتم و با بچه‌های خوب او را نشاندم».^۳

خداوند روزی کودک را در سینه‌ی مادر قرار داده است و مادر حق ندارد بدون عذر موجه و به بهانه‌های واهی، کودک خود را از این روزی خدادادی محروم نماید و او را به شیر خشک و امثال آن حواله دهد، چرا که هیچ شیر و غذایی نمی‌تواند جایگزین شیر مادر شود و تأمین کننده نیازهای جسمی کودک باشد.^۴

۱. محمدبن حسن، طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۸، چاپ چهارم، تهران، انتشارات دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۶۵،

ص ۱۱۰.

۲. ابراهیم، امینی، همان کتاب، ص ۲۱۷.

۳. حیدر، قنبری، همان کتاب، ص ۱۶۱.

۴. حبیب‌اله، میرزایی، همان کتاب، ص ۱۰۸.

گفتار دوم: حقوق فرزند بر مادر

۲-۱- احترام به شخصیت کودک

تکریم شخصیت و توجه به کرامت انسانی، پشتوانه‌ی بزرگ سلامت روانی انسان است. خانواده‌هایی که عنایت و توجه به شخصیت فرزند دارند و از تحقیر و تمسخر و نادیده گرفتن توانایی فرزندان می‌پرهیزند. فرزندان متعادل، موفق، شاداب و پیشرو دارند. در روایت‌های اسلامی، بی‌توجهی به شخصیت فرزندان، زمینه‌ساز سقوط رفتار و بزه‌کاری و انحراف و تباهی است.

تکریم و احترام به کودک یکی از توصیه‌های مؤکد اسلام است. اسلام برای انسان، صرف نظر از ویژگی‌های جنسی، قومیتی و سن و سال حرمت و کرامت قائل است: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ...»^۱ و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم». کودک و بزرگسال با هم مساوی و از کرامت لازم برخوردارند. کودکان بر فطرت الهی آفرید شده‌اند و این فطرت گرچه هنوز به فضائلی آراسته نشده، به خباثت نیز آلوده نیست، پس از این حیث دارای کرامتند؛ بنابراین برای ایجاد این ارزش در کودکان باید به صورت عملی آن را به ایشان آموخت. باید توجه داشت که ایجاد چنین ارزشی تنها با موعظه و پند و اندرز مسیر نیست، تکریم و احترام به افراد خصوصاً کودکان روش‌ها و شیوه‌هایی دارد که برخی از آن‌ها عبارتند از:

۱. قیام و استقبال از فرزند به هنگام ورود او به مجلس.

۱. سوره اسراء(۱۷)آیه ۷۰.

۲. سلام کردن به کودکان.

۳. جای دادن در صفوف جماعت.

۴. با احترام صدا کردن.

۵. پرهیز از خشنونت با کودکان.

۶. پذیرش دعوت کودکان و دعوت از آنها برای مهمانی.^۱

حال اگر والدین و مربیان کودک در دوران شکل‌گیری شخصیت او با بی‌احترامی، قهر و سرزنش با وی برخورد کنند، شخصیت کودک به صورت شخصیتی ذلیل و حقیر شکل خواهد گرفت و اگر با احترام و بزرگداشت باشد، شخصیت او به صورت عزیز، مستقل و مثبت رقم خواهد خورد، و رفتارش، رفتاری سالم و به‌هنجار خواهد بود.

حضرت علی (علیه‌السلام) در این زمینه می‌فرماید: «من کرمت علیه نفسه لم ینها بالمعصیته؛^۲ کسی که از احترام نفس برخوردار باشد شخصیت خود را با گناه بی‌ارزش نمی‌کند» و نیز می‌فرماید: «من کرمت علیه نفسه هانت علیه شهواته؛^۳ هر که خود را بزرگواری بیند شهوت‌هایش در دیده‌ی وی خوار می‌شود». یا امام سجاد (علیه‌السلام) می‌فرماید: «من کرمت علیه نفسه هانت علیه الدنیا؛^۴ کسی که از احترام نفس برخوردار باشد،

۱. علی، حسینی‌زاده، همان کتاب، ص ۹۶-۱۰۵.

۲. حسین بن محمد تقی، نوری، همان کتاب، ج ۱۱، ص ۳۳۹.

۳. نهج البلاغه، حکمت ۴۴۹.

۴. حسن بن علی، ابن شبعه حرانی، تحف العقول من آل الرسول، ترجمه حمیدرضا کمره‌ای، قم، انتشارات

اسلامیه، ۱۳۶۹، ص ۲۷۸.

دنیا نزد او بی ارزش می شود».

بنابراین تأثیر عزت نفس و احساس حقارت انسان و به عبارت دیگر تأثیر شخصیت بر رفتار، اساسی و قابل ملاحظه است و نقش تکریم و احترام کودکان بر شکل گیری شخصیت مثبت و عزت نفس آن‌ها نیز نقش بسزا و تعیین کننده دارد، پس برای تربیت کودک، باید با او به احترام رفتار کرد.

۲-۲- مشورت با کودکان

یکی از عواملی که به فرزند شخصیت می دهد، مشورت کردن با آن‌ها در امور خانواده است. این کار سبب می شود که آن‌ها احساس کنند که در خانواده به حساب می آیند و به نظرشان توجه می شود.

مشورت با کودک سهیم کردن او در برنامه ریزی زندگی، توجه به نیازها و علایق، توجه به اوقات فراغت او و نظایر آن، همگی نشان احترام گذاشتن به نوجوان محسوب می شود.^۱

والدین باید به کودکان و نوجوانان اعتماد کنند و مشورت کنند در عین حال مواظب و مراقب آنان باشند. کودک و نوجوانی که عزت نفسش حفظ شده است؛ در رویارویی با مسائل و

۱. احمد، پژوه، خانواده و فرزندان، چاپ اول، تهران، انتشارات انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۷۶، ص ۶۰.

مشکلات از استواری و مقاومت بیشتری برخوردار است و آسیب‌پذیری او کمتر است و اجازه داد آزادانه افکار خود را بیان و به این وسیله در رشد معنوی آنان به خوبی نقش آفرینی کرد.

۲-۳- محبت به کودک

انسان موجودی است با نیازهای متعدد که نمی‌توان او را از نیازهایش جدا ساخت. برخی از این نیازها مربوط به جسم و تن و بعضی دیگر مرتبط با روح و روان اوست. آنچه در این قسمت مورد بحث است، نیاز به مهر و محبت در عموم انسان‌ها و ضرورت و لزوم مهرورزی نسبت به کودکان به عنوان یک حق مسلم است و جزء اصلی‌ترین و مهم‌ترین احتیاجات روانی کودک به شمار می‌رود.

کودکان باید احساس کنند که والدین با آنان صمیمی و مهربان هستند تا بعدها مسائل خود را با والدین در میان بگذارند. کودکانی که از محبت والدین محرومند، در خانه احساس ناامنی می‌کنند و افسرده و پژمرده هستند برعکس کودکانی که از محبت والدین سرشارند احساس سکون و آرامش بیشتری دارند، اعتماد به نفس کافی دارند.^۱

مهرورزی و ابراز محبت برای درمان هر دردی اعجاز می‌کند کودکی که زمین خورده و آسیب دیده و گریه‌کنان سمت مادرش می‌رود، وقتی که مادر او را بغل می‌کند و می‌بوسد و اظهار

۱. مهدی، صانعی، بهداشت روان در اسلام، چاپ دوم، قم، انتشارات بوستان کتاب، ۱۳۸۷، ص ۲۸.

همدردی با او می‌کند و از همه مهم‌تر با ابراز محبت او را نوازش می‌کند، کودک درد جسمانی‌اش را فراموش می‌کند و در محبت و عشق مادرش غرق می‌شود؛ انسان اسیر محبت و محکوم به آن است تا جایی که گفته شده «الإنسان عبد الإحسان...»^۱ احسان و اظهار دوستی می‌تواند بشر را تا سرحد بندگی به پیش ببرد».

امام رضا(علیه‌السلام) حدیثی پُر بار و قاعده‌ی کلی درباره تکریم و احترام به دیگران چه کوچک و چه بزرگ به ما می‌آموزد و می‌فرماید: «و اجمل معاشرتک مع الصغیر و الکبیر»^۲ لازم است با تمام اطفال و بزرگسالان مؤدب و با احترام معاشرت نمایی».

هم‌چنین فرمودند: «الإحسان یتعبد الإحسان»^۳ نیکی و احسان باعث اطاعت دیگران می‌شود و پیروی آنان را به دنبال دارد».

اشاره دیگر حضرت علی(علیه‌السلام) این است که: «الناس أبنا ما یحسنون»^۴ مردم (مانند) فرزندان کسانی می‌شوند که به آنان احساس کنند». بنابراین عامل سلامت روح کودک، محبت است و کمبود آن، سبب ناهنجاری‌های عاطفی و روانی می‌گردد و زمینه را برای آشفتگی روحی و بزهکاری اجتماعی وی در آینده فراهم می‌سازد.

۱. عبدالواحدبن محمد، تمیمی آمدی، همان کتاب، ص ۳۸۵.

۲. حسین بن محمد تقی، نوری، همان کتاب، ج ۸، ص ۳۵۴.

۳. عبدالواحدبن محمد، تمیمی آمدی، همان کتاب، ص ۳۸۵.

۴. همان، ص ۳۸۷.

در هر صورت محبت تأثیر بسزایی در سازندگی فرزند دارد. اظهار محبت می‌تواند به صورت نوازش کردن، بوسیدن و در آغوش گرفتن باشد. به یقین محبت و مهربانی در خانواده پایه و اساس پرورش صحیح عواطف کودک است و در پرتو آن می‌توان احساسات کودک را به خوبی هدایت کرد و او را به راه صحیح و مسیر سعادت‌بخش سوق داد. بینش اسلامی حتی برای تحریک جامعه اسلامی و انسانی به انجام کارهای نیک و شایسته و باز داشتن از بدی‌ها و کژی‌ها به عنصر محبت و مهرورزی تکیه کرده و با زبان احساس و عاطفه سخن گفته است.^۱

در مسیر تربیت، عامل محبت قوی‌ترین عنصر برای پذیرش و تحمل و تفاهم است. باید دانست که مهم‌ترین احتیاج عاطفی فرد در دوران کودکی احتیاج به مهر و توجه است، زیرا کودک همان‌گونه که به شیر مادر نیاز دارد و بدون آن زندگی برایش دشوار و گاهی غیر ممکن خواهد بود، به همان میزان نیز به زندگی تحت مراقبت والدین بخصوص مادر نیازمند است. کودک باید همواره احساس کند که مادر و پدرش او را دوست دارند و محیطی روانی و آرام و قابل اعتمادی برای کودک فراهم می‌کند.^۲

بی‌توجهی به کودک عوارضی دارد که ممکن است به صورت‌های گوناگونی در کودک مشاهده شود از جمله:

۱. مهدی، نیک‌خو، گلبرگ زندگی، همان، ص ۹۸.

۲. محمدجواد، طبرسی، حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت(علیه‌السلام)، چاپ اول، قم، انتشارات دفتر

تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴، ص ۸۱.

۱. پرخاشگری.

۲. تسلیم شدن در مقابل دیگران به خاطر جلب رضایت آنان.

۳. خیالبافی و در خود فرو رفتن،

۴. گوشه گیری، انگشت مکیدن، ناخن جویدن و...^۱

تجربه نشان می‌دهد که بسیاری از انحرافات جوانان ناشی از کمبودهای عاطفی آنها در خانواده است؛ بنابراین خانواده بخصوص مادر، باید به این نیاز کودک توجه ویژه داشته باشند و بدانند پاسخ‌گوی صحیح به این نیاز کودک، اساس و پایه تربیت او را تشکیل می‌دهد.

۲-۴- مسئولیت دادن به فرزند

پدران و مادرانی که به سعادت و خوشبختی فرزندان خویش علاقه‌مند هستند و سعادت و ترقی کشور و جامعه را می‌خواهند کار کردن فرزند را جز برنامه تربیتی قرار خواهند داد، کودکان را طوری تربیت می‌کنند که از همان کودکی به کار و کار کردن ابراز علاقه کنند تا وقتی بزرگ شوند نه تنها از کار کردن عار و ننگ نداشته باشند بلکه بدان افتخار کنند.

متأسفانه بسیاری از والدین از این موضوع مهم غفلت کرده و درباره‌ی آن عنایتی به خرج نمی‌دهند، تا مدت‌های مدیدی همه‌ی کارهای فرزند را خودشان انجام می‌دهند و هیچ‌گونه

۱. رضا، فرهادیان، همان کتاب، ص ۵۹-۵۸.

مسئولیتی بر عهده‌اش نمی‌گذارند و به گمان اینکه به کودک خدمت می‌کنند در حالی که این خدمت نیست بلکه خیانتی بزرگ است هم به کودک، هم به کشور و اجتماع، گاهی می‌گویند در کار کردن کودک نباید عجله کرد، کار کردن دشوار است، وقتی بزرگ شود، خودش دنبال کار می‌رود در حالی که اگر کار مناسب با سن و سال و توانایی کودک باشد با طبیعت کودکی کردن بچه مخالف نیست بلکه هم‌تراز و هم‌سو خواهد بود.^۱

به وجود آمدن احساس مسئولیت ناشی از تمایل به همکاری با دیگران، کمک به غیر و مواجه شدن با مشکلات است، این احساس باعث می‌شود که انسان هرگز از انجام یک کار عادی و خسته‌کننده ملول نگردد و برای کارهای ارزش‌قائل شود. علاقه به همکاری و کمک به دیگران و حل مشکلات در کودکانی مشاهده می‌شود که در خانواده‌ی آنان کارها بر محور همکاری در جریان است.^۲

بر اساس بینش اسلامی زندگی در کلمه «وظیفه» خلاصه می‌شود. وظیفه‌ی انسان در برابر خود و دیگران وقتی زندگی وظیفه باشد، انسان نمی‌تواند بی‌تفاوت باشد. تلاش‌های انسان جهت‌دار است. هرگز خیانت نمی‌کند و در برابر مشقات دل شکسته نمی‌شود و مسئولیت ناشی از این احساس است که باعث می‌شود زندگی را وظیفه بدانیم و در آن صورت است که مفهوم

۱. علی، امینی، آیین تربیت، همان، ص ۹۸.

۲. راضیه، محمدزاده، همان کتاب، ص ۲۵۶.

موفقیت سعادت و پیروزی در انجام وظیفه و یا مسئولیت خلاصه می‌شود.^۱

حضرت علی (علیه‌السلام) فرمودند: «برای هر یک از کارکنان منزل کاری را معین کن و مسئولیتش را

بر عهده‌اش بگذار؛ وقتی وظیفه خود را فهمیدند به امید دیگران از زیر کار شانه خالی نمی‌کنند».^۲

۲-۴-۱- تشویق کودک به قبول مسئولیت

خواسته‌ی هر پدر و مادری است که فرزند خود را انسانی مسؤل و شایسته تربیت کنند اما لازمه‌ی تربیت فرزندان مسؤل و متعهد، واگذاری مسئولیت به آنهاست و از جمله‌ی این مسئولیت‌ها شناخت مسئولیت‌های مربوط به خودشان است. از جمله: مواظبت از خود و اموالشان، کسب درآمد برای مصارف شخصی با توجه به اقتضای سن و سال، کمک به کارهای خانه، و از همه مهم‌تر افزایش مسئولیت در قبال دیگران و کمک به رفاه سایر انسان‌ها و مسائلی مشابه آنچه ذکر شد.

آموزش قبول مسئولیت و تشویق کودک باید خیلی زود شروع شود حتی کودک دو ساله هم می‌تواند در کارهایی نظیر چیدن سفره‌ی غذا و کارهای ساده‌تر، کمک کردن را یاد بگیرد. هرچه بچه‌ها بیشتر کمک کنند به هم‌کاری بیشتر عادت می‌کنند.^۳

۱. مجید، شباهنگ، احساس مسئولیت در اطفال و کودکان خجول، چاپ دوم، قم، انتشارات هنگام، ۱۳۶۲، ص ۵۶.

۲. عبدالواحد بن محمد، تمیمی آمدی، همان کتاب، ص ۱۲۴.

۳. مجید، رشیدپور، چگونه می‌توان تربیت کرد، چاپ اول، بی‌جا، انتشارات انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۶۵، ص ۱۰۶.

فصل چهارم

شیوه‌های پرورش عواطف دینی کودک

آنچه به زندگی کودک شکل می‌دهد، دستورها و توصیه‌های والدین نیست، بلکه اعمال و شیوه‌ی زندگی کردن آنهاست که در شکل‌گیری زندگی فرزند مؤثر است. جزئی‌ترین، ریزترین، پنهان‌ترین و غیر رسمی‌ترین رفتارهای والدین، وسیع‌ترین، عمیق‌ترین و آشکارترین تأثیرات را به دنبال دارند.^۱

اسلام، شخصیت آینده کودک را مرهون تربیت و پرورش و مراقبت پدر و مادر می‌داند و برای تمام لحظات زندگی و دوران عمر افراد، دستورات خاص و مقررات ویژه‌ای دارد. یکی از مسائل مطرح شده در اسلام، مسأله وظایف والدین و توجه آنان به نکات و رهنمودهای تربیتی فرزندان است که در نظر قرآن جایگاه ویژه‌ای دارد.

خداوند متعال در سوره فرقان یکی از ویژگی‌های بندگان راستین را توجه به تربیت فرزند و خانواده خویش می‌داند و نسبت به آنان احساس مسؤولیت فوق‌العاده‌ای می‌کنند آیه می‌فرماید: «آنها پیوسته از درگاه خدا می‌خواهند و می‌گویند پروردگارا از همسران و فرزندان ما کسانی قرار ده که مایه چشم روشنی ما گردد».^۲

۱. مادری در نگاه دینی و عینیت اجتماعی، چاپ اول، قم، انتشارات دفتر مطالعات و تحقیقات زنان،

۱۳۹۳، ص ۱۱۵.

۲. علی‌اصغر، شعبان دخت، همان کتاب، ص ۶۴.

کودکان آنچه که والدین می‌خواهند نمی‌شوند، بلکه آنچه انجام می‌دهند می‌شوند لذا به دلیل اهمیت دوره کودکی در ساختار شخصیت آدمی بر آن شدیم تا گفتاری با عنوان شیوه‌های پرورش عواطف دینی کودک و نکات و رهنمودهای تربیتی فرزند صالح را بیان کنیم و مهم‌ترین این نکات عبارتند از:

۱-۱- انتخاب نام نیک برای کودک

یکی از وظایف دینی والدین، نسبت به فرزندان خویش، گزینش نام پسندیده برای آنهاست. از نظر اسلام نام خوب، حقی است برای فرزندان که مسؤلیت انتخاب آن بر عهده پدر و مادر نهاده شده است. نامی را که پدر و مادر برای کودک انتخاب می‌کنند تا لحظه مرگ همراه اوست و به لحاظ دارا بودن پیام فرهنگی (که از معنا و مفهوم خود به همراه دارد) الهام‌بخش بوده و بر فرد و جامعه تأثیر می‌گذارد.

عرب‌های قبل از اسلام که نوعاً مرد جنگ و نبرد بودند، با انتخاب نام‌هایی که حاکی از شجاعت و دلیری بود، دشمنان خویش را از صلابت، قدرت و قوت خود با خبر می‌ساختند.^۱

انتخاب نام خوب برای فرزند اثر روحی و روانی در شخصیت کودک می‌گذارد، به امام صادق(علیه‌السلام) عرض شد: «فدایت شوم! ما فرزندانمان را به نام شما و پدرانمان می‌نامیم، آیا این کار برای ما سودی دارد؟ امام فرمود: إِيَّ وَاللَّهِ وَ يَغْفِرُ لَكُمْ دُمْنُو لَكُمْ؛ فرمود آری به خدا سوگند! آیا این چیزی جز محبت

۱. عباس، اسماعیلی یزدی، همان کتاب، ص ۲۸۴.

و دوستی است؟ خداوند فرمود: اگر خدا را دوست می‌دارید. از من پیروی کنید تا خداوند شما را دوست بدارد و گناهان شما را پامرزد.^۱

امام کاظم (علیه‌السلام) درباره نامگذاری نوزاد فرمودند: «جاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، مَا حَقُّ بَنِي هَذَا؟ قَالَ: تُحَسِّنُ اسْمَهُ وَ أَدَبَهُ وَ وَضَعَهُ مَوْضِعاً حَسَنًا؛ کسی خدمت پیامبر رسید و گفت: ای پیامبر خدا! حق این فرزند بر من چیست؟ فرمود: نام او و تربیت او را نیکو گردان و او را در جایگاه تربیتی نیکویی قرار دهی.»

پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمودند: «مَا مِنْ بَيْتٍ فِيهِ اسْمٌ مُحَمَّدٌ إِلَّا أَوْسَعَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الرِّزْقَ فَإِذَا سَمَّيْتُوهُمْ فَلَا تَضْرِبُوهُمْ وَلَا تَسْتَمُوهُمْ؛^۲ هیچ خانه‌ای نیست که نام محمد در آن باشد، مگر آن‌که خداوند، روزی آن‌ها را بسیار می‌کند. سپس هر گاه آنان را محمد نامیدید، آنان را نزنید و دشنام ندهید.»

توجه به این مسأله از امتیازات درخشان این آیین است. اسلام مسأله نامگذاری را حتی قبل از تولد فرزند را نیز مدنظر قرار داده و دستور داده شده برای نوزادی که بعداً به دنیا آید اسم معین کنید «سَمُّوا اولادکم قبل ان یوکدوا...»^۳ فرزندان خود را پیش از تولد نامگذاری کنید.»

از نظر اسلام علاوه بر انتخاب اسم خوب برای فرزند باید او را با احترام صدا کرد. از نسبت دادن القاب زشت نهی فرموده است: «...وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْألقَابِ؛^۴ یکدیگر را مورد عیب‌جویی

۱. محمد بن یعقوب، کلینی، همان کتاب، ج ۸، ص ۷۹؛ حسین بن محمد تقی، نوری، همان کتاب، ج ۱۲، ص ۲۱۹.

۲. عبدالحمید بن هبه الله، ابن ابی الحدید، همان کتاب، ج ۲۰، ص ۱۰.

۳. محمد بن یعقوب، کلینی، همان کتاب، ج ۶، ص ۱۸.

۴. سوره حجرات (۴۹) آیه ۱۱.

قرار ندهید و القاب زشت به یکدیگر نبندید». نامگذاری فرزندان به نام‌های بزرگان دین، موجب می‌شود فرهنگ خانواده و جامعه، روح دینی به خود بگیرد و این فرهنگ، در تربیت و هدایت فرزندان مؤثر می‌باشد.^۱

بنابراین از نظر جامعه‌شناسی نامگذاری مناسب بر فرهنگ جامعه تأثیرگذار است و متقابلاً فرهنگ جامعه هم بر تربیت و هدایت فرزندان مؤثر است و اجزای این چرخه همواره بر تأثیر به همدیگر و تأثیر از یکدیگر ادامه می‌دهند.

۱-۲- نقش همنشینی و معاشرت در فرزند

از عواملی که در تربیت، اسلام بدان توجه شده است، اثر معاشران در فرد می‌باشد. تأثیر معاشرین در فرد امری اجتناب‌ناپذیر است و آدمی خواه ناخواه از آن‌ها اثر می‌پذیرد.

پیامبر اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمودند: «المرء علی دین خلیفه؛^۲ آدمی بر دین دوستش می‌باشد».

مقصود از این روایت این است که اگر فردی، کسی را دوست بگیرد، دین او را هم پذیرفته است.

حضرت علی (علیه‌السلام) در نامه‌ای، خطاب به یکی از یارانش می‌فرماید: «و احذر صحابه من یضل

رأیه و نکر عمله فان الصحاب معتبر بصاحبه؛^۳ پیرهیز از معاشرت و یار شدن با کسی که دارای رأی و اندیشه

۱. علی، حسینی‌زاده، همان کتاب، ص ۶۸.

۲. محمدبن حسن، حرعاملی، همان کتاب، ج ۱۴، ص ۲۰۷.

۳. نهج البلاغه، نامه ۳۱.

سست و کردار ناپسند است پس به درستی که شخص با یارش همخو می‌شود».

تأثیر متقابل دوستان بر یکدیگر امری است واضح و روشن، به همین جهت است که انتخاب دوست را می‌توان یکی از عوامل مؤثر در تربیت دانست. اگر کودک و نوجوان، با افراد فاسد و بد اخلاق دوستی کند؛ هم‌رنگ او می‌شود و چنانچه با فرد صالح و خوش اخلاق دوست شود، همانند او خواهند شد، بنابراین انتخاب دوست خوب در سعادت و شقاوت انسان تأثیر فراوانی دارد.^۱

رسول گرامی (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در تمثیلی زیبا درباره‌ی تأثیر همنشین صالح می‌فرماید: «مثل الجلیس الصالح مثل العطار أن لم يعطك من عطره اصابك من ريحه»^۲ مثال همنشین صالح همانند عطاری است که از عطرش به تو نمی‌بخشد، اما بوی عطرش به تو می‌رسد».

همنشین بدکردار بدتر از مار شرور و زهرآگین است. انسان باید از همنشین بد دوری‌گزیند زیرا بدی مار تنها زندگی انسان را کوتاه کرده و عمر را زودتر به پایان می‌رساند، اما همنشین بد، شر و پلیدیش کل حیات و ایمان را در برمی‌گیرد «فاعتبر الارض بانمائها و اعتبر الصاحب بالصاحب»^۳ زمین، با رویانیدن میوه‌ها از درونش خبر می‌دهد و همنشین به وسیله‌ی دوستش از درون خود گزارش می‌دهد».

۱. ابراهیم، امینی، همان کتاب، ص ۴۰۴.

۲. ناصر، مکارم شیرازی، امثال قرآن، چتپ چهارم، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۲، ص ۱۲۳.

۳. نصیرالدین، طوسی، شیوه‌ی دانش پژوهشی (آداب المتعلین)، اخلاق ناصری، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا، ص ۷۴-۷۳.

۱-۳- قرآن محور آموزش کودکان

قرآن، آخرین کتاب آسمانی است که تمام قوانین هدایت و سعادت انسان را در بر دارد و هر کس به آن چنگ زند نجات یابد و هر کس آن را رها کند هلاک گردد. از این رو رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) بسیار به قرآن و آموزش آن اهتمام داشته‌اند. از پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده که فرمودند: «خياركم من تعلم القرآن و علمه»^۱ بهترین شما کسی است که قرآن را بیاموزد و آن را آموزش دهد».

احادیث زیادی درباره خواندن قرآن و یاد دادن به دیگران مخصوصاً کودکان بیان شده است؛ حضرت علی (علیه السلام) آموختن قرآن را جزء حقوق کودک برمی‌شمارد؛ «وَحَقُّ الْوَلَدِ عَلَى الْوَالِدَانِ يَحْسِنُ اسْمَهُ وَ يَحْسِنُ اَدَبَهُ وَ يَعْلَمُهُ الْقُرْآنَ»^۲ حق فرزند بر پدر، آن است که نام نیک بر او بگذارد و او را به نیکی تربیت کند و قرآن به او بیاموزد».

اهل سنت از ابوهریره آورده‌اند که: «و ما فی رجل یعلم ولده القرآن الا توجه یوم القیامة بتاج فی الجنة؛ هیچ شخصی نیست که فرزندش را قرآن بیاموزد مگر آنکه در روز قیامت، تاجی درخت بر سرش می‌نهند».

امیر مؤمنان فرزندش امام حسن (علیه السلام) را این چنین به قرآن سفارش کرد: «الله الله القرآن فلا یسبقتکم الی العمل به غیرکم»^۳ خدا را خدا را درباره‌ی قرآن، مبدا دیگران در فقه قرآن بر شما پیشی بگیرند».

۱. محمد بن حسن، حرعاملی، همان کتاب، ج ۴، ص ۸۲۵.

۲. نهج البلاغه، حکمت ۴۰۷.

۳. حسن بن علی ابن، شعبه حرانی، همان کتاب، ص ۱۹۴.

در شرح حال بزرگان ادب و فهم غالباً دیده می‌شود که آنان در هنگام کودکی به تعلیم قرآن اشتغال داشته‌اند؛ خواجه عبدالله انصاری در شرح حال خود گفته است: «در هنگام کودکی به مقعر می‌شدمی و قرآن می‌خواندمی و چون باز آمدی به درس می‌شدمی».^۱

اگر نظری به مواد آموزشی در مکاتب بیندازیم، معلوم می‌شود سرچشمه‌ی غایتی که این مواد را معین می‌کرد، دین بود. چرا که در سرلوحه‌ی مواد آموزشی، قرآن قرار داشت که کودکان آن را از طریق خواندن و نوشتن حفظ می‌کردند. به محض اینکه کودک واجد به تمییز و ادراک می‌شد، او را به مکتب می‌فرستادند که به لحاظ میزان سن، حدوداً پنج تا هفت سالگی مرسوم بود.^۲ در سیره‌ی معصومان نیز آموزش قرآن به کودکان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود، زیرا در سنین خردسالی ذهن و قلب کودک خالی و آماده پذیرش آموزش‌های لازم است در سیره‌ی آن بزرگواران نخستین گام در آموزش کودکان، خواندن و نوشتن و سپس آوزش قرآن است.

حضرت علی (علیه‌السلام) به فرزندش امام حسن (علیه‌السلام) می‌فرماید: «و آن اتبرک بتعلیم کتاب الله»^۳ و اینکه نخست تو را کتاب خدا بیاموزم».

ابن خلدون در مقدمه‌ی کتاب العبر‌انگه که از شیوه‌های تعلیم کودکان در بلاد اسلامی سخن می‌گوید می‌نویسد: «باید دانست که تعلیم دادن قرآن به فرزندان یکی از شعائر دینی است و همه‌ی

۱. عبدالرحمان، جامی، نفعات‌الانس، چاپ چهارم، بی‌جا، انتشارات کتابخانه اسلامی، ۱۳۶۲، ص ۶۲.

۲. عبدالعظیم، کریمی، رویکردی نمادین به تربیت دینی، تهران، انتشارات قربانی، ۱۳۷۴، ص ۷۶.

۳. نهج‌البلاغه، نامه ۳۱.

شهرهای اسلامی این راه را می‌پیمودند، از این رو که به سبب آیات قرآن و برخی از متون حدیث عقاید، ایمان، پیش از هر چیز در دل‌ها رسوخ می‌یابد.^۱ بنابراین قرآن اساس تعلیم و تربیت دینی فرزندان است.

۱-۴- روش‌های آموزش نماز و روزه به کودکان

مشاهده آداب دینی و عبادات مذهبی به ویژه نماز که به وسیله‌ی والدین و یا خواهر و برادر بزرگ‌تر به طور منظم در هر شبانه روز و با اهتمام جدی انجام می‌پذیرد، در ذهن و روان کودک نقش می‌بندد و نوعی انس روحی نسبت به این‌گونه اعمال در او به وجود می‌آید.

با توجه به حس تقلید در کودک، معمولاً مشاهده می‌شود که کودک از سال دوم از حرکات پدر و مادر در حال نماز تقلید می‌کند و برخی کلمات و رفتارها را تکرار می‌کند. این حرکات به تدریج کامل‌تر می‌شود و کودک در کنار پدر و مادر به نماز می‌ایستد. اگر این حرکات کودک توأم با نوازش و تشویق والدین همراه شود، بر رغبت کودک نسبت به این مسائل افزوده شده و به خاطره‌ی شیرینی از دوران کودکی در ذهن او باقی می‌ماند.^۲

در واقع اولین سنگ بنای تربیت دینی و الهی کودک در این سال‌ها گذاشته می‌شود، بنابراین

۱. عبدالرحمن بن محمد، ابن خلدون، مقدمه‌ی ابن خلدون، مترجم عبدالمحمد آیتی، ج ۱۲، بی‌جا، انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۳، ص ۱۱۳۱.

۲. غلامحسین، شکوهی، تعلیم و تربیت و مراحل آن، چاپ شانزدهم، مشهد، انتشارات قدس رضوی، ۱۳۷۴، ص ۱۲۴.

اعمال یا حرکات کودک را بی‌اهمیت تلقی کرد یا احياناً به آن‌ها بی‌توجهی کرد. این فرصت از نظر ایجاد آمادگی روحی، برای شکوفایی ایمان در نهاد کودک بسیار مغتنم و با ارزش است و والدینی که به پرورش دینی کودکان خود اهمیت قائل هستند هرگز این فرصت را از دست نمی‌دهند.^۱

روایت شده که یک روز پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به برخی از کودکان نگاه می‌کرد و فرمودند:

«وای بر کودکان آخر زمان از دست پدرانشان. گفته شد: ای پیامبر خدا! از پدران مشرکان؟»

فرمودند: نه؛ از پدران مؤمنشان که چیزی از واجبات نمی‌آموزند و چون فرزندانشان خود

بیاموزند، آنان را باز می‌دارند و نسبت به آنان از «دانستن» چیز اندکی از دنیا راضی می‌-

شود. من از آنان بیزارم و آنان از من بیزارند».^۲

این روایت مشخص می‌کند که وظیفه والدین فقط تهیه‌ی پوشاک و غذا نیست بلکه اولین

تکلیفی که به صورت تمرینی متوجه طفل می‌شود، نماز است. هر مسلمانی هنگامی می‌تواند پای-

بندی خود را به دستورهای اسلامی به اثبات برساند که اهل نماز باشد.^۳

قرآن کریم در بسیاری از آیات نورانی به این امر مهم و سرنوشت ساز تأکید فراوان نموده و

از زبان لقمان حکیم به فرزندش نقل می‌کند که فرمودند: «يا بَنِي أَقِمِ الصَّلَاةَ...؛^۴ پسر من نماز را به پا دار».

۱. محمدعلی، سادات، رفتار والدین با فرزندان، چاپ نهم، تهران، انتشارات انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۶۲،

ص ۷۸-۷۷.

۲. حسین بن محمد تقی، نوری، همان کتاب، ج ۱۵، ص ۱۶۴.

۳. احمد، بهشتی، تربیت کودک در جهان امروز، همان، ص ۷۵.

۴. سوره لقمان (۳۱) آیه ۱۷.

و در آیه دیگر می فرماید: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى»^۱ و خانواده‌ات را به نماز امر کن؛ و خود بر آن شکیبا باش! از تو روزی نخواستیم؛ ما روزی‌ات را می‌دهیم؛ و عاقبت نیک برای تقواست!».

بنابراین بر پدران و مادران است که فرزند خویش را از دوران کودکی با این وظیفه خطیر و مهم الهی آشنا سازند و آنان را نسبت به فطرت آینده، واکسینه و بیمه سازند، تا از انحراف و فساد مصون بمانند.^۲

روایات زیادی از معصومین نقل شده است که فرزندان خود را وادار کنید به نماز خواندن، اما این‌که در چه سنی کودک را به نماز خواندن وادار کرد اختلاف است. سال‌هایی که بدین منظور نقل شده به طور متفاوت از سن شش تا سیزده سالگی است که از مجموع روایات می‌توان چنین بهره‌برداری کرد که والدین وظیفه دارند قبل از بلوغ فرزند با شیوه‌های مختلف تربیتی، او را به خواندن نماز وادار نمایند. سیره و روش معصومین در امر نماز کودکان بر این بوده که فرزندان خود را از سن پنج سالگی به نماز وا می‌داشتند اما می‌فرمودند لازم نیست شما فرزندان خود را در پنج سالگی وادار به نماز کنید بلکه در سن هفت سالگی به نماز تشویق کنید.

حلبی از امام صادق(علیه‌السلام) و ایشان از پدرش چنین روایت می‌کند که: «إِنَّا تَأْمُرُ صِبْيَانًا بِالصَّلَاةِ إِذَا كَانُوا بَنِي خَمْسِ سِنِينَ، فَمَرُّوا صِبْيَانَكُمْ إِذَا كَانُوا بَنِي سَبْعِ سِنِينَ»^۳ ما فرزندان خود را در سن پنج

۱. سوره طه (۲۰) آیه ۱۳۱.

۲. محسن، قرائتی، تفسیر نور، ج ۱۰، تهران، انتشارات مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳.

۳. محمدبن حسن، حرعاملی، همان کتاب، ج ۱۵، ص ۱۸۳.

سالگی به نماز وادار می‌کنیم، ولی شما فرزندانان را در سن هفت سالگی به نماز وادار سازید».

بنابراین پدران و مادران باید به این نکته توجه نمایند که در سنین پایین‌تر تشویق و نرم‌زبانی مؤثرتر از تندی می‌باشد و باید با لحنی ملایم آنان را به امر نماز ترغیب نمایند و تنبیه را نه اولین، که آخرین راه حل تلقی کنند و یقین داشته باشند که راه‌های تربیتی مؤثرتری وجود دارد که می‌توانند با کسب آگاهی بیشتر و مطالعه کتب تربیتی و گفت‌وگو با فرزندان و مشاوره با آنها پی‌ببرند.

در روایات اسلامی به روزه نیز سفارش‌های فراوانی شده است از جمله فرموده‌اند: در ماه رمضان در صورتی که کودک طاقت روزه گرفتن را داشته باشد او را به روزه گرفتن تشویق کنید و اگر در وسط روز گرسنگی به او فشار آورد، افطارشان دهید، چرا که روزه‌ی ماه رمضان سپر آتش جهنم است و باید فرزندان خود را از آتش سوزان جهنم حفظ کنیم.

حلبی از امام صادق (علیه‌السلام) روایت می‌کند که حضرت فرمودند:

«ما فرزندان خود را در سن هفت سالگی در حدی که تاب و توان آن را دارند به روزه گرفتن وا می‌داریم، گرچه تا وسط روز یا بیشتر و یا کمتر از آن و هرگاه تشنگی و گرسنگی بر آنها غلبه کرد، افطار می‌کردند و این دستور به روزه گرفتن به خاطر آن بود که بر روزه گرفتن انس و عادت و توانایی پیدا کنند. پس شما فرزندان خود را در سن نه سالگی به روزه گرفتن وا دارید به هر اندازه که توانستند روزه گیرند و اگر تشنگی بر آنها

غلبه کرد افطار کنند»^۱.

۱-۵- کودک و محافل مذهبی و معنوی

شرکت دادن کودکان در مجالس، میهمانی‌ها، جشن‌ها یا سوگواری‌های ائمه معصومین (علیهم‌السلام) تأثیر زیادی در تربیت و پرورش شخصیت اجتماعی و اخلاقی آنان دارد. برای رسیدن به این مهم لازم است نکاتی مورد توجه قرار گیرد که اهم آن‌ها عبارت است از:

۱. در ابتدای ورود سلام دهید و در احوال‌پرسی‌ها بگذارید کودک خود جواب احوال-پرسی‌ها را دهد.^۲
۲. در مجالس برای کودکان جا باز کنید و به او احترام بگذارید.
۳. در صورتی که در مجالس از کودک پرسشی شد بگذارید خود کودک پاسخ را بگوید.^۳
۴. لباس‌هایی برای او تهیه شود که مورد خنده و استهزاء دیگر کودکان قرار نگیرد.
۵. بگذارید کودک خود میوه و شیرینی بردارد.
۶. در حضور بزرگ‌ترها و در مجالس با کودکان به صورتی محترمانه صحبت کنید.^۴
۷. آن‌چنان که کودکان را لوس کند نه خشک و خشن، بلکه متعادل به خصوص این امر در مورد پسرها باید بیشتر مراعات شود.^۵

۱. محمدبن یعقوب، کلینی، همان کتاب، ج ۳، ص ۴۰۹.

۲. مهدی، نیک‌خو، تربیت کودک، همان، ص ۶۷.

۳. علی‌اصغر، شبعان‌دخت، همان کتاب، ص ۹۷.

۴. همان، ص ۱۰۱.

۵. راضیه، محمدزاده، همان کتاب، ص ۸۵.

۸. چنانچه در مجالس والدین میزبان هستند، لازم است کودکان حضور یابند و در پذیرایی از میهمانان به والدین کمک کنند، تا هم طرز پذیرایی و برخورد درست با میهمان را فرا گیرند و هم در جمع بتوانند نحوه‌ی صحیح ارتباط با دیگران را یاد بگیرند.

۹. دختران به علت عواطف سرشار درونی، حساس‌تر و شکننده‌تر از پسران هستند لذا باید مورد توجه بیشتر قرار گیرند چرا که این توجه و تکریم از بسیاری از نابسامانی‌ها و انحرافات اخلاقی و اجتماعی خواهد کاست.^۱

۱-۶- راه‌های ایجاد محبت اهل بیت در دل کودکان

برای اینکه فرزندان مطیع اوامر الهی و دستورات اهل بیت داشته باشیم، باید از راه‌های مختلف محبت اهل بیت (علیهم‌السلام) را در دل آن‌ها زنده کنیم و از آنجا که لازمه‌ی محبت، معرفت به اهل بیت (علیهم‌السلام) است؛ بنابراین باید در ایجاد معرفت نیز کوشا باشیم.

در اینجا با توجه به کتب دینی از جمله: قرآن، احادیث و فرمایشات بزرگان دین به راه‌های ایجاد محبت اهل بیت (علیهم‌السلام) در کودکان اشاره می‌شود:

۱. شرایط انعقاد نطفه، ایام بارداری و روحیات والدین پیش از کودکی فرزندان می‌تواند تأثیر گذار باشد.

۲. پیوند روزهای ابتدایی زندگی کودک با آب فرات و خاک کربلا؛ استفاده از نمادها و

۱. مهدی‌نیک‌خو، تربیت کودک، همان، ص ۳۴.

سنبل‌هایی که به نوعی ارتباط با اهل بیت (علیهم‌السلام) دارد، این رابطه را تقویت می‌سازد، در واقع کام برداشتن کودک به وسیله‌ی آب فرات و خاک کربلا بسیار کارساز است.

۳. استفاده از علاقه به محبوبیت؛ یعنی رابطه‌ی با ائمه معصومین (علیهم‌السلام) باعث محبوب

خدا شدن می‌شود؛ وقتی کودکان، بدانند که محبوب خدا شدن در سایه مودت و دوستی اهل بیت (علیهم‌السلام) است علاقه‌ی آن‌ها به این خاندان بیشتر می‌شود.^۱

۴. بیان فضیلت و دوستی آل پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)؛ «مَنْ مَاتَ عَنِّي حُبًّا آلِ مُحَمَّدٍ مَاتَ شَهِيدًا»^۲ آگاه

باشید که هر کس بر حبّ آل محمد بمیرد، شهید است».

۵. بیان نیازمندی و بهره‌مندی از این محبت، انسان معمولاً مجذوب کسی یا جایی می‌شود

که گره از کار بگشاید و بهره‌ای به او برساند و ائمه در آنجا که به شدت گرفتار و نیازمندیم به یاری ما می‌آیند. از رسول اکرم نقل شده است که فرموده‌اند:

«حُبِّي وَ حُبَّ أَهْلِ بَيْتِي نَافِعٌ فِي سَبْعَةِ مَوَاطِنَ أَهْوَالُهُنَّ عَظِيمَةٌ: عِنْدَ الْوَفَاةِ وَ فِي الصَّبْرِ وَ عِنْدَ النُّشُورِ

وَ عِنْدَ الْكِتَابِ وَ عِنْدَ الْحِسَابِ وَ عِنْدَ الْمِيزَانِ وَ عِنْدَ الصَّرَاطِ»^۳ حب من و حب اهل بیت من در

هفت جا که اضطراب آن بسیار است نافع می‌شود؛ هنگام وفات و در قبر، هنگام برخاستن

از قبر، هنگام نامه‌ی عمل، هنگام حساب، هنگام میزان و هنگام صراط».

۶. ایجاد فضای روحی و معنوی؛ چه بسا اگر کودکان را به حال خود رها کنیم به این سمت

۱. حسین، مظاهری، همان کتاب، ص ۶۴.

۲. محمدبن حسن، حرعاملی، همان کتاب، ج ۶، ص ۷۳.

۳. محمد، محمدی‌ری‌شهری، میزان الحکمه، همان، ج ۲، ص ۲۳۷.

و جهت کشیده نمی‌شوند و به مجالس دعا و توسل نیایند؛ ولی اگر تربیتی دهیم که در این فضا قرار گیرند جذب می‌شوند.

۷. پرهیز از عوامل محبت‌زا، مثلاً اگر مجالس حسینی ملال‌آور و خسته کننده باشد یا در مجالس شاد اهل بیت با کودکان بد رفتاری شود می‌تواند مانع پیدایش «پیوند محبت» باشد.

۸. تشکل‌های هیئتی؛ تشکیل هیئت در محله، راه انداختن دسته عزاداری، برنامه ایستگاه‌های صلواتی، آب، شربت و...^۱

۱-۷-۲- تأثیر تشویق و تنبیه در تربیت کودکان

رفتارهای تربیتی که از سوی والدین و یا مربیان تربیتی جهت رشد و بالندگی کودکان اعمال می‌شود دارای انواع مختلفی می‌باشد که هر یک می‌تواند در جایگاه خود، در تربیت کودکان نقش آفرینی کنند که در این بخش به بیان این مطالب پرداخته می‌شود.

۱-۷-۱- تشویق

از تدابیر مهمی که در بازسازی رفتار فرزندان می‌توان از آن استفاده کرد تشویق می‌باشد لذا تشویق را می‌توان یکی از عوامل مهم در روش‌های مؤثر در امر تربیت دانست که والدین و مربیان امر تعلیم و تربیت از آن بهره ببرند. فرزندان از تشویق و تحسین لذت می‌برند و این از تمایلات

۱. علی، حسینی‌زاده، تربیت فرزند، همان، ص ۴۲.

فطری آنان است که باید به بهترین شیوه از آن استفاده کرد.^۱

تشویق عبارت است از قول یا عملی که از فعل فاعل قدردانی کرده و او را می ستاید مانند:

آفرین، احسنت، متشکرم و... و یا تقدیم هدیه، خرید اسباب بازی، لباس، کفش و یا در آغوش

گرفتن و بوسیدن و یا مانند اظهار رضایت و خرسندی، تعریف و تمجید کردن و...^۲

تشویق نقش مهمی در پیش برد تعلیم و تربیت ایفا می کند، زیرا انسان طبیعتاً می خواهد

اعمال و رفتارش مورد قبول و پسند اطرافیان قرار گیرد، بنابراین اگر بخواهیم افراد را به کارهای

مفید و شایسته سوق دهیم باید کمال و هنر آنان را ستایش کنیم تا از دلسردی و بی میلی و بی رغبتی

در کودکان جلوگیری شود. تشویق حس خودپسندی و حب ذات انسان را اقناع می کند و موجب

قوت قلب و نشاط می شود برعکس نکوهش و ناسپاسی انسان را تحقیر می کند و موجب بروز

افسردگی و خستگی می شود. وجود تشویق برای پرورش انسانها یک امر ضروری است و همه ی

انسانها حتی بزرگسالان، تا آخر عمر نیازمند تشویق است.

لذا اسلام دستور داده که مردم از دانشمندان و نیکان و کودکان شایسته قدردانی نمایند و

ایشان را با زبان، عمل و رفتار تشویق کنند و آنان را ارج گذارند، در این صورت، خود به خود

نیکی و دانش و فضیلت در اجتماع رواج و رونق می یابد.^۳

۱. هدایت الله، ستوده، مقدمه ای بر آسیب شناسی اجتماعی، تهران، انتشارات آوای نور، ۱۳۷۲، ص ۱۵۶.

۲. هوشنگ، شامبیانی، بزهکاری اطفال و نوجوانان، چاپ سوم، تهران، انتشارات بیتا، ۱۳۷۳، ص ۹۳.

۳. مهدی، صانعی، پژوهشی در تعلیم و تربیت اسلامی، همان، ص ۲۳۲.

قرآن کریم در آیات فراوانی از اصل تشویق و تنبیه بهره‌برده است به عنوان نمونه قرآن در

رابطه با افراد دارای ایمان و عمل صالح می‌فرماید:

«وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلَّمَا رُزِقُوا

مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رِزْقًا قَالُوا هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأُتُوا بِهِ مُتَشَابِهًا وَلَهُمْ فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَ

هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ؛^۱ به کسانی که ایمان آورده، و کارهای شایسته انجام داده‌اند، بشارت ده

که باغ‌هایی از بهشت برای آنهاست که نه‌رها از زیر درختانش جاری است. هر زمان که

میوه‌ای از آن، به آنان داده شود، می‌گویند: «این همان است که قبلاً به ما روزی داده شده

بود. (ولی اینها چقدر از آنها بهتر و عالی‌تر است.)» و میوه‌هایی که برای آنها آورده

می‌شود، همه (از نظر خوبی و زیبایی) یکسانند. و برای آنان همسرانی پاک و پاکیزه است،

و جاودانه در آن خواهند بود.»

مؤلف کتاب «المحجة البيضاء» معتقد است: «هرگاه از کودک کار پسندیده و خوی نیک ظاهر

گردد، سزاوار است که او را گرمی دارند و او را پاداش دهند به گونه‌ای که خوشحال شود و او را در بین

جمعیت بستایند و اگر گاهی از او خطایی سر بزند آن را نادیده انگارند و به شخصیت او لطمه نزنند.»^۲

احادیث فراوانی هم بین افراد صالح و شایسته و افراد فاجر و گناهکار تفاوت قائل شده‌اند.

حضرت علی (علیه‌السلام) وقتی مالک اشتر را به استانداری مصر منصوب نمودند به او سفارش کردند:

۱. سوره بقره (۲) آیه ۲۵.

۲. ملامحسن، فیض کاشانی، المحجة البيضاء، چاپ دوم، بیروت، انتشارات مؤسسه الاعلمی للمطبوعات،

۱۴۰۳ق، ص ۲۵۴.

«لا يكوننَّ الْمُحْسِنُ وَالْمُسِيءُ عِنْدَكَ بِمَنْزَلَةِ سَوَاءٍ، فَإِنَّ فِي ذَلِكَ تَزْهِيْدًا بِأَهْلِ الْإِحْسَانِ فِي الْإِحْسَانِ وَ تَدْرِيْبًا لِأَهْلِ الْإِسَاءَةِ! وَ أَلْزَمَ كَلًّا مِنْهُمْ مَا أَلْزَمَ نَفْسَهُ»^۱ نباید نیکوکار و منحرف پیش تو مساوی باشند، زیرا در این صورت نیکوکاران در کار نیک خود سرد می‌شوند و منحرفین در انحراف خود تشویق می‌گردند و تو باید راهی را که انتخاب کرده‌اند پاداش و کیفر دهی».

آنچه در موارد مختلف تشویق، موجب جدیت انسان می‌شود، جلب رضایت پدر و مادر و دوستان یا سایر مردم می‌باشد. تصور اینکه عمل او مورد توجه و پسند دیگران واقع شود او را به حرکت و جدیت وادار می‌کند.^۲

در اینجا تذکر یک نکته لازم و ضروری است و آن اینکه گرچه تشویق یک وسیله‌ی مؤثر تربیتی است، اما در مواردی ممکن است که اعمال کودک مشروط و منوط به تشویق بشود و امکان دارد کودک پر توقع و طلبکار پرورش یافته و در همه جا انتظار پاداش داشته باشد برای اینکه تشویق، اثر منفی نداشته باشد و بهتر نتیجه بدهد رعایت نکات زیر ضرورت دارد:

۱. باید اخلاق و رفتار نیک کودک مورد ستایش قرار گیرد نه خود کودک؛ باید کودک بفهمد که کار او را ارزش دارد و تشویق قرار گرفتنش به واسطه‌ی کار خوب و نیک او بوده.
۲. در تشویق و تعریف نباید زیاده‌روی کرد، زیرا ممکن است موجب غرور و بزرگ‌بینی

۱. نهج البلاغه، خطبه ۵۳.

۲. ابراهیم، امینی، همان کتاب، ص ۴۳۲-۴۳۱.

شخص شود؛ حضرت علی (علیه السلام) در این باره می فرماید: «رَبُّ مَقْتُونٍ بِحُسْنِ الْقَوْلِ فِيهِ؛^۱ چه بسا فردی که در اثر تعریف و تمجید به غرور مبتلا شده باشد».

۳. تعریف و تمجید باید به صورت جزئی و کوتاه باشد به صورت دائم و برای هر کاری؛ زیرا در این صورت ارزش تربیتی آن از دست می رود؛ «اِذَا مَدَحْتَ فَاخْتَصِرْ؛^۲ وقتی کسی را ستایش می کنی مدح او را کوتاه کن».

۱-۷-۲- تنبیه

یکی از روش هایی که در تربیت کودک استفاده می شود، تنبیه است. تنبیه در لغت به معنای آگاهی دادن و بیدار کردن و در اصطلاح عبارت است از مجازات انسانی که کار ناپسندی را انجام داده و به منظور ترک نمودن و جلوگیری از تکرار عمل.^۳

تنبیه هم گام با تشویق، از زمان های قدیم در بین اولیا و مربیان اطفال و نهادهای تربیتی معمول بوده است، لیکن روش مذکور در زمان اخیر به وسیله ی دانشمندان تعلیم و تربیت و روان شناسان جدید، شدیداً مورد نقد و منع قرار گرفته است.^۴

دانشمندان علوم تربیتی اظهار می کنند، تنبیه ارزنده ای که ارزش تربیتی و اثر سودمندی

۱. محمدباقر، مجلسی، بحارالانوار، همان، ج ۷۰، ص ۲۴.

۲. همان، ج ۷۳، ص ۲۹۵.

۳. ابراهیم، امینی، همان کتاب، ص ۴۳۵.

۴. همان، ۴۴۶.

داشته باشد، این است که متبدان و دل خواهانه نباشد و برای تنبیه شونده نقش یک تجربه را ایفا می‌کند. باید توجه داشت که مقصود از تنبیه، کتک زدن نیست، بلکه منظور معنی معنوی آن است که آگاه کردن و آگاهی دادن است. یعنی خطاکار به خطایش واقف گردد. چه بسا خطاها و لغزش‌هایی که از کودکان سر می‌زند به دلیل ناآگاهی آنان باشد لذا در چنین مواقعی باید آنان را با خبر و مطلع سازیم تا به راه راست برگردند.^۱

تنبیهات را به طور کلی به دو نوع می‌توان تقسیم نمود:

۱. تنبیهات بدنی؛ عبارت است از کارهای دردآور و دشواری که به طور مستقیم روی بدن انسان اثر می‌گذارد و اسباب ناراحتی او را فراهم می‌سازد.

۲. تنبیهات غیر بدنی؛ عبارت است از اعمالی که به عنوان مجازات انجام می‌گیرد و موجب ناراحتی می‌شود لیکن روی بدن اثر ندارد، مانند: توبیخ، سرزنش و... گرچه اسلام گاهی تنبیه کردن را برای تربیت پذیرفته است ولی احکامی دارد. اسلام دین تعادل است و از افراط و تفریط به دور است و در همه مراحل زندگی طرح و برنامه و راهکارهایی مناسب دارد که اکثر این راهکارها پیشگیرانه است، یعنی هرچه بیشتر در تربیت اسلامی کودک دقت شود کمتر کار به تنبیه می‌کشد. حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: «و الإفراطُ فی المَلالةِ یُثبُّ نیران اللِّجاجة»^۲ زیاده‌روی در سرزنش، آتش لجاجت را شعله‌ور می‌سازد».

۱. مهدی، صانعی، پژوهشی در تعلیم و تربیت اسلامی، همان، ص ۲۳۸.

۲. حسن بن علی ابن شعبه حرانی، همان کتاب، ص ۸۲؛ عبدالواحد بن محمد، تمیمی آمدی، همان کتاب، ص ۲۳۲.

اسلام مهر و محبت و نرمش و لطافت را بیش از روش‌های دیگر در تربیت مؤثر و مفید می‌داند، هرچند در بعضی از مواد لازم است در مقابل خطای کودک عکس العمل مناسب نشان داده شود، زیرا اگر در برابر کار زشت کودک واکنش مناسب انجام نشود، زشتی آن در نظرش کاسته شده و چه بسا به آن عادت کند.^۱

لذا پاره‌ای از تنبیهات غیر بدنی را می‌توان به اجرا گذارد. این قبیل تنبیهات اگر به موقع و دقیق به کار گرفته شوند، در تربیت کودکان مفید واقع می‌شوند. مردی در حضور امام موسی بن جعفر (علیه‌السلام) از فرزند خود شکایت کرد، حضرت به وی فرمود: «لَا تَضْرِبُهُ وَ اِهْجُرْهُ وَ لَا تُطْلِ؛^۲ فرزندش را نزن، برای ادب کردنش با او قهر کن ولی مواظب باش قهرت چندان طول نکشد».

دانشمندان و روان‌شناسان کودک امروز این حرف را تأیید می‌کنند. در تنبیه کردن کودکان نکات زیر لازم است رعایت شود:

۱. تنبیه لازم نیست همیشه زبانی باشد، گاهی یک نگاه ملامت‌بار کافی است.
۲. تنبیه باید به عنوان آخرین روش تربیتی مورد استفاده قرار گیرد.^۳
۳. والدین نباید امر تنبیه کردن را به فرزندان بزرگ‌تر واگذار نمایند.^۴
۴. در تنبیه باید مورد تخلف مشخص باشد تا کودک علت تنبیه را درک نماید.

۱. رضا، فرهادیان، همان کتاب، ص ۶۸-۶۷.

۲. محمدباقر، مجلسی، بحارالانوار، ج ۲۳، ص ۱۱۴.

۳. رضا، فرهادیان، همان کتاب، ص ۷۰-۶۸.

۴. علی، قائمی، خانواده و نابسامانی‌ها روانی کودکان، چاپ دوم، تهران، انتشارات امیری، ۱۳۷۲، ص ۵۶.

۵. نباید کودک را به وسیله اوهام و خرافات تهدید کرد؛ مثلاً نباید او را از دیو یا غول

ترساند.^۱

حاصل سخن اینکه اسلام برای تربیت کودک به تنبیه متوسل نمی‌شود و سعی می‌کند که به

وسیله تشویق بتواند شخصیت کودک را شکل دهد و کودک را به برخی از کارهای ناشایست آگاه

نماید.

۸-۱- داستان سرایی یکی از روش‌های تربیتی

بچه‌ها عاشق داستان‌ها و قصه‌های کوتاه هستند، هنگامی که در این زمینه سخنی آغاز

می‌شود با تمام وجود بدان گوش فرا می‌دهند و مادر با بیان داستان جالب و شیرین کودک را به

سوی خود جلب می‌کند.

داستان سرایی‌های مادر برای کودک بسیار مؤثر و جالب است طوری که کودک حاضر

است از بازی خود صرف نظر کند و به آن گوش فرا دهد، هنگامی که مادر برای کودک قصه

می‌گوید او با تمام عشق و علاقه‌اش گوش می‌دهد، چنان دلبسته می‌شود که همه چیز را فراموش

می‌کند. مادر ضمن بیان داستان نکته‌هایی را به کودک می‌آموزد و پایه‌های ایمانی و اخلاقی او را

استوار می‌سازد چنان‌چه در قرآن نیز به ده‌ها قصه و تمثیل زیبا و جالب و آموزنده رو به رو

هستیم. داستان‌هایی واقعی که ضمن استفاده از جذابیت داستان، هدف آن تربیت انسان‌هاست.

۱. راضیه، محمدزاده، همان کتاب، ص ۲۹.

آن گونه که در قرآن آمده است «لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِأُولَى الْأَلْبَابِ...»^۱ همانا در حکایت آنان برای صاحبان عقل، عبرت کامل خواهد بود».

۱-۸-۱- فواید داستان و اثر تربیتی داستان

مطالعات نشان می‌دهد که کودکان به خاطر ویژگی‌های خاص روحی و تمایلات خاصشان به مراتب بیش از بزرگ‌ترها به قصه علاقه دارند و به همان نسبت هم زودتر و بیشتر ماجراها و صحنه سازی‌های آن را باور می‌کنند و عمیق‌تر تحت تأثیر موضوع و شخصیت‌هایش قرار می‌گیرند، شاید داستان بهترین زبانی باشد که می‌توان با آن ضوابط و قواعد مذهب و شیوه‌ی زندگی درست و الهی را به کودکان تعلیم داد.^۲

همان کاری که خداوند در قرآن کریم کرده است، من باب مثال، برای نمونه نتیجه‌ی عفت و پاکدامنی، قصه‌های «یوسف» و «مریم» برای نشان دادن مقاومت در برابر شکنجه‌ها، و برای بیان گریز از محیط نامناسب و پناه بردن به خدا و پایان کار نیکوکاران و بدکاران به داستان اصحاب کهف را آورده است.

چه بسیار داستان و افسانه‌ها که طفل را با آداب و سنن جامعه آشنا می‌سازد، سرمایه تمدن و میراث فرهنگ را به او منتقل می‌نماید و کودک را برای زندگی آینده آماده می‌سازد.

۱. سوره یوسف (۱۲) آیه ۱۱۱.

۲. مهدی، نیک‌خو، همان کتاب، ص ۲۰۳.

۱-۸-۲- نوع داستان‌ها

آنچه در تربیت مهم است انتخاب نوع داستان‌ها برای سازندگی کودک است. داستان‌ها باید به گونه‌ای باشد که در عین سرگرم کردن کودکان، زیبایی، صلح و صفا را در افراد پدید آورند و مفاهیم خوبی و بدی را به آن‌ها تفهیم کند و مشکلات و بد اخلاقی‌ها را برای او تصویرسازی نماید.^۱

داستان‌ها باید به گونه‌ای باشند که نیروی تعقل کودکان را رشد دهند، او را به قضاوت و راوی بخوانند و حس منطقی و استدلالی طلبی را در او تقویت نمایند و بلاخره داستان‌ها باید به گونه‌ای باشند که از صوت نصیحت گویی بیرون آیند، دستورها و نهی‌ها صورتی غیرمستقیم داشته باشند، حاصل آن باید به گونه‌ای باشد که کودک را از انجام عملی ناخوشایند باز دارد و یا به انجام عمل دیگری تشویق نماید.^۲

۱-۸-۳- شخصیت‌های داستان

شخصیت داستان‌هایی که برای کودکان بازگو می‌شود می‌بایست اصیل و دور از هر گونه انحراف و کجروی باشند و افعال و رفتار آن‌ها هیچ گونه بد آموزی نداشته باشد، چه بسیارند داستان‌ها و حکایت‌هایی که افراد را به بیهودگی، پوچی و انحراف سوق می‌دهند و راه‌های غلط را

۱. محمدعلی، سادات، همان کتاب، ص ۱۱۰-۱۰۹.

۲. سیما، مخبر، ریحانه بهشتی یا فرزند صالح، قم، انتشارات نور الزهرا، ۱۳۸۲، ص ۹۷.

در پیش پای آدمی قرار می‌دهند و یا اینکه مقاصد و اهداف شومی را در روح و روان کودک به وجود می‌آورند؛ اصالت و شرف آدمی را نادیده گرفته و انسان را به راه کج می‌کشانند.^۱

داستان‌های حیوانات همیشه بهترین داستان‌ها برای کودکان است به شرط آنکه ارائه دهنده‌ی الگوهای راستین باشد.^۲

۱-۸-۴- وقت داستان‌سرایی

اینکه در چه وقت و فرصتی برای داستان باید گفت؛ پاسخ این است که هر وقت ضرورتی در این مورد مشاهده شود و یا زمینه‌ی میل و رغبتی برای کودکان در این زمینه باشد. معمولاً والدین در همه‌ی فرصت‌ها می‌توانند قصه بگویند؛ بخصوص در موقع خواب، زمزمه‌های آموزنده کودک را بخوابانند. و هر زمان که کودکان در خانه یا اتاقی دور هم اجتماع کرده و سرگرم بازی با دوستان خود هستند در صورت یافتن فرصتی مناسب با آنان هم بازی و هم سخن شوند و برای آن‌ها قصه‌ای گفت، به ویژه که کودکان در چنین زمان‌هایی آمادگی‌هایی دارند در جهت رفع و اصلاح رفتار خود برمی‌آیند.^۳

البته نکته لازم و ضروری است که در داستان‌سرایی باید مورد توجه قرار گیرد:

-
۱. حبیب‌الله، میرزایی، همان کتاب، ص ۱۵۲.
 ۲. محمدعلی، سادات، همان کتاب، ص ۱۱۱.
 ۳. شکوه، نوای‌نژاد، رفتارهای بهنجار کودکان و نوجوانان، و راه‌های پیشگیری و درمان ناهنجار، چاپ دوم، تهران، انتشارات انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۷۳، ص ۲۱۶.

۱. لحن می‌بایست آرام و به نرمی باشد نه خشک و خشن که فرزندان در مقابل آن جبهه

گیرند.

۲. داستان‌ها تا حدود امکان باید براساس واقعیت‌های گذشته یا حال تنظیم گردد، تا امکان

وصول به اهداف تربیتی موجود باشد.

۳. نتایج هر داستان باید برای کودک مشخص باشد.

۴. برای کودکان ترسو از داستان‌های قهرمانان و شجاعت و دلیری آن‌ها سخن به میان آید.

۵. داستان‌ها باید روح اعتماد و اطمینان را در کودکان زنده کنند.^۱

۱. سیما، مخبر، همان کتاب، ص ۹۸.

نتیجه گیری

زن در اسلام جایگاه والایی دارد که آیات و روایات متعددی این ادعا را اثبات کرده‌اند. ولی برخی از زنان متأسفانه مقام خود را پایین گرفته و به آن اهمیتی نمی‌دهند و به جای اینکه به وظیفه مادری بپردازند خود را مشغول مسائل بیهوده می‌کنند در صورتی که خداوند فرزند را امانت خویش می‌داند و زن مؤظف است به عنوان یک مادر خیانت در امانت نکرده و آن را به نحو احسن همان گونه که خداوند از او می‌خواهد، تربیت کند. برای اینکه این هدف محقق شود باید مراقبت از نفس صورت بگیرد که نیازمند پرهیز از گناه و پلیدی است. کوچک‌ترین اعمال مادر در تربیت فرزندش چه قبل از بارداری، چه در حین بارداری و چه بعد از تولد فرزند در او اثر بسزایی دارد و همین امر موجب شده که امام(ره) می‌گوید: «زن مربی انسان است». و این گفته که از دامن زن مرد به معراج می‌رود الحق و الانصاف به جاست.

اما متأسفانه برخی مادران تنها به رشد جسمی کودک اهمیت می‌دهند و برای رشد و روحی و روانی فرزندشان نه تلاشی می‌کنند و نه به دنبال جمع‌آوری و کسب اطلاعات در این باره هستند. در واقع علم مادران و شاید گفته شود جامعه نسبت به اهمیت این مطلب بسیار اندک است در صورتی که منابع علمی بسیاری وجود دارد که به مادران ناآگاه این سزمین کمک می‌کند تا پاسخ پرسش‌های خود را پیدا کرده به آن عمل کنند. و اگر این جریان ناآگاهی به همین صورت

ادامه پیدا کند به جز برخی مادران مسئولیت‌پذیر سایر آن‌ها فرزندانی خواهند داشت که نه تنها نفعی برای جامعه خویش ندارند چه بسا مضر نیز واقع شوند. در صورتی که جامعه به افرادی نیاز دارد که بتواند از آن‌ها جهت رشد و ارتقاء فرهنگی و معنوی خود استفاده کرده و به آن‌ها از این بابت افتخار کند.

خداوند متعال انسان را به گونه‌ای خلق کرده که تأثیر پذیری بسیاری در دوران کودکی دارد و بهترین زمان برای تربیت فرزند دوران کودکی است و در اکثر حالات از مادر خود الگوگیری می‌کند. در نتیجه وظیفه مادر این است که اولاً تربیت فرزند را مهم و ضروری بداند؛ ثانیاً برای تحقق آن بکوشد و ثالثاً از روش‌های تربیتی آگاهی داشته و به آن‌ها به طور دقیق عمل کند.

پیشهادات

به نظر می‌رسد در متون اسلامی به تمام مواردی که در تربیت روحی و جسمی کودک مؤثر است اشاره شده، از این رو پیشنهاد می‌شود، والدین، مربیان و نهادهای مسئول تربیت در حیطه و حوزه امور تربیتی:

۱. از متون دینی استفاده کنند، به عنوان مثال آموزش قبل از ازدواج برای زوجین و یا قبل از تولد برای والدین مهیا کند.

۲. از احادیث زیبای معصومین درباره تربیت کودک به صورت کتاب جیبی، بروشور و بنر استفاده کنند.

۳. با توجه به افزایش مهد کودک‌ها، ضرورت فرهنگ سازی تربیت کودک علاوه بر مهدها، در خانه و خانواده را ترویج دهند.

۴. رسانه‌های عمومی مانند تلویزیون و... برنامه‌های تربیتی را افزایش داده حتی می‌توانند یک شبکه مستقل به این امر اختصاص دهند.

۵. مسئولان تمام جامعه را محیط تربیتی بدانند و از تمام امکانات و از هر زمینه‌ای برای این کار بهره گیرند.

فهرست منابع و مآخذ

* قرآن کریم، ترجمه محمد فولادوند.

* نهج البلاغه، ترجمه جعفر شهیدی.

۱. ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند، ج ۳، بیروت: دار صادر، بی تا.
۲. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد، مقدمه‌ی این خلدون، مترجم عبدالمحمد آیتی، ج ۱۲، بی جا: انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۳.
۳. ابن شبعه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول من آل الرسول، ترجمه حمیدرضا کمره‌ای، قم: انتشارات اسلامی، ۱۳۶۹، ص ۲۷۸.
۴. ابن ابی‌الحدید، عبد الحمید بن هبه الله، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، چاپ دوم، بیروت: دار احیاء الکتب العربی، ۱۳۸۵.
۵. ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، چاپ سوم، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۱۳ق.
۶. استادان طرح جامع آموزشی خانواده، خانواده و فرزندان در دوره‌ی ابتدایی، چاپ نوزدهم، تهران: انتشارات سازمان انجمن اولیاء و مربیان، ۱۳۸۳.

۷. اسماعیلی یزدی، عباس، فرهنگ و تربیت، چاپ اول، قم: انتشارات دلیل ما، ۱۳۸۴.
۸. افروز، غلامعلی، چکیده‌ای از روانشناسی تربیتی کاربردی، چاپ ششم، تهران: انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۸۱.
۹. امین‌زاده، محمدرضا، فرهنگ تعلیم و تربیت، چاپ اول، قم: انتشارات در راه حق، ۱۳۷۶.
۱۰. امینی، ابراهیم، اسلام تعلیم و تربیت، چاپ اول، قم: مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۴.
۱۱. _____ آیین تربیت، چاپ چهارم، تهران: انتشارات اسلامی، ۱۳۷۲.
۱۲. بهشتی، احمد، اسلام و حقوق کودک، چاپ ششم، قم، انتشارات مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۷.
۱۳. _____ تربیت کودک در جهان امروز، چاپ سوم، قم، انتشارات مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۷۷.
۱۴. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، تهران: انتشارات دنیای دانش، ۱۳۲۴ق.
۱۵. پژوه، احمد، خانواده و فرزندان، چاپ اول، تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۷۶.
۱۶. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم و درر الکلم، ترجمه حسین شیخ الاسلامی تویسرکانی، قم: انتشارات انصاریان، ۱۳۸۲.
۱۷. جامی، عبدالرحمان، نفعات الأنس، چاپ چهارم، بی‌جا: انتشارات کتابخانه اسلامی، ۱۳۶۲.
۱۸. حاجی آبادی، محمدعلی، حسینی‌زاده، علی، بررسی مسائل تربیتی جوانان در روایات،

- چاپ اول، تهران، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تهران، ۱۳۸۵.
۱۹. حرعاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه، ج ۱۵، چاپ ششم، قم، انتشارات مؤسسه آل البيت، الأحیا التراث، ۱۴۰۹ق.
۲۰. حسینی زاده، علی، سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت (تربیت فرزندان)، ج ۱، چاپ سوم، قم: انتشارات پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۲.
۲۱. خرمشاهی، بهاء الدین، پیام پیامبر، چاپ اول، تهران: انتشارات منفرد، ۱۳۷۶.
۲۲. خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، ج ۳، تهران: انتشارات اسلامیه، بی تا.
۲۳. دهقان، محمدصادق، مادری در نگاه دینی و عینیت اجتماعی، چاپ اول، تهران: انتشارات مرکز دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۹۲.
۲۴. رحمانی، علی، آموزش خانواده (۱) پرسش و پاسخ های تربیتی، چاپ اول، قم: انتشارات پارسایان، ۱۳۸۷.
۲۵. رشیدپور، مجید، چگونه می توان تربیت کرد، چاپ اول، بی جا: انتشارات انجمن اولیاء و مربیان، ۱۳۶۵.
۲۶. ژان، شاتو، مبانی و اصول آموزشی و پرورش، ترجمه غلامحسین شکوهی، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۱.
۲۷. سادات، محمدعلی، رفتار والدین با فرزندان، چاپ نهم، تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۶۲.

۲۸. ساویج کنیگ، فلیستی، کمک به مادران شیرده، ترجمه پروین دهقان، چاپ اول، بی‌جا: انتشارات دانشگاه علوم پزشکی ایران، ۱۳۷۰.
۲۹. ستوده، هدایت‌الله، مقدمه‌ای بر آسیب‌شناسی اجتماعی، تهران: انتشارات آوای نور، ۱۳۷۲.
۳۰. سیمونویچ، آنتوان، گفتارهایی درباره تربیت فرزندان، مترجم ابوتراب باقرزاده، چاپ اول، تهران: انتشارات پویش، ۱۳۶۳.
۳۱. شامیانی، هوشنگ، بزهکاری اطفال و نوجوانان، چاپ سوم، تهران: انتشارات بیتا، ۱۳۷۳.
۳۲. شباهنگ، مجید، احساس مسئولیت در اطفال و کودکان خجول، چاپ دوم، قم: انتشارات هنگام، ۱۳۶۲.
۳۳. شعبان دخت، علی‌اصغر، تربیت کودک از منظر آموزه‌های دینی، چاپ اول، بی‌جا: شهر، ۱۳۸۹.
۳۴. شعاری‌نژاد، علی‌اکبر، روان‌شناسی رشد، چاپ دهم، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۷۲.
۳۵. شکوهی، غلامحسین، تعلیم و تربیت و مراحل آن، چاپ شانزدهم، مشهد: انتشارات قدس رضوی، ۱۳۷۴.
۳۶. صانعی، مهدی، بهداشت روان در اسلام، چاپ دوم، قم: انتشارات بوستان کتاب، ۱۳۸۷.
۳۷. _____، پژوهش در تعلیم و تربیت اسلامی، چاپ اول، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی، ۱۳۷۵.

۳۸. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۹، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، بی تا.
۳۹. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، بیروت: دارالحدود، ۱۴۰۸ق.
۴۰. طبرسی، محمدجواد، حقوق فرزندان در مکتب اهل بیت (علیه السلام)، چاپ اول، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴.
۴۱. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرين، ج ۲، چاپ دوم، تهران: انتشارات نشر فرهنگ اسدی، ۱۳۶۷.
۴۲. طوسی، محمدبن حسن، تهذیب الأحکام، ج ۶، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۶۵.
۴۳. طوسی، نصیرالدین، شیوهی دانش پژوهشی (آداب المتعلین)، اخلاق ناصری، بی جا، بی - نا، بی تا.
۴۴. فرهادیان، رضا، آنچه والدین و مریبان باید بدانند، چاپ چهارم، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۶.
۴۵. فلسفی، محمدتقی، کودک از نظر وراثت و تربیت، چاپ اول، تهران: انتشارات الحدیث، ۱۳۸۶.
۴۶. فیض کاشانی، محسن، المحجة البيضاء، چاپ دوم، بیروت: انتشارات مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۳ق.

۴۷. _____ ، تفسیر صافی، ج ۳، چاپ اول، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات،
۱۴۰۲ق.
۴۸. قائمی، علی، تربیت و بازسازی کودکان، چاپ اول، تهران: انتشارات امیری، ۱۳۵۷.
۴۹. _____ ، خانواده و نابسامانی‌ها روانی کودکان، چاپ دوم، تهران: انتشارات امیری،
۱۳۷۲.
۵۰. _____ ، شناخت، هدایت و تربیت نوجوانان و جوانان، چاپ چهارم، تهران:
انتشارات امین، ۱۳۶۸.
۵۱. _____ ، نقش مادر در تربیت، چاپ اول، تهران: انتشارات شفق، ۱۳۶۳.
۵۲. قرائتی، محسن، تفسیر نور، ج ۱۰، تهران: انتشارات مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن،
۱۳۸۳.
۵۳. قمی، عباس، سفینه البحار، ج ۲، تهران: انتشارات فراهانی، بی‌تا.
۵۴. _____ ، منتهی الآمال، ج ۲، قم: انتشارات هجرت، ۱۳۶۹.
۵۵. قنبری، حیدر، داستان‌های شگفت‌انگیز از تربیت فرزند، چاپ اول، قم: انتشارات فاتح
خبیر، ۱۳۸۵.
۵۶. کریمی، عبدالعظیم، رویکردی نمادین به تربیت دینی، تهران: انتشارات قربانی، ۱۳۷۴.

۵۷. کریمی‌نیا، محمدعلی، **الگوهای تربیت اجتماعی**، چاپ اول، قم: انتشارات پیام مهدی، ۱۳۷۲.
۵۸. کلینی، محمدبن یعقوب، **الکافی**، ج ۴، چاپ چهارم، تهران: انتشارات دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۶۵.
۵۹. متقی هندی، علاءالدین بن حسام الدین، **المرشد إلى كنز العمال فی سنن اقوال و الافعال**، چاپ سوم، بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ق.
۶۰. مجلسی، محمدباقر، **بحار الانوار**، ج ۸۷، چاپ سوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۶۱. _____، **حلیة المتقین**، قم: انتشارات طاهر، ۱۳۶۴.
۶۲. محمدزاده، راضیه، **مادر اگر اینگونه می‌بود**، چاپ اول، تهران: انتشارات مرکز فرهنگی مفید، ۱۳۸۴.
۶۳. محمدی‌ری‌شهری، محمد، **حکمت‌نامه**، ترجمه عباس پسندیده، چاپ اول، قم: انتشارات دارالحدیث، ۱۳۸۶.
۶۴. _____، **منتخب میزان الحکمه با ترجمه فارسی**، مترجم محمدرضا شیخی، حمید حسینی، چاپ سوم، قم: انتشارات دارالحدیث، ۱۳۸۴.
۶۵. مخبر، سیما، **ریحانه بهشتی یا فرزند صالح**، قم: انتشارات نورالزهر، ۱۳۸۲.

۶۶. مظاهری، حسین، تربیت فرزند از نظر اسلام، چاپ دهم، تهران: انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۱.
۶۷. _____، خانواده در اسلام، بی‌چا، قم: انتشارات شفق، ۱۳۷۴.
۶۸. مکارم شیرازی، ناصر، امثال قرآن، چاپ چهارم، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۲.
۶۹. _____، تفسیر نمونه، ج ۷۴، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.
۷۰. موسوی رادن لاهیجی، حسین، پدر، مادر، معلم مرا خوب تربیت کن، چاپ دوم، قم: انتشارات امام‌شناسی و آثار الحجة، ۱۳۸۷.
۷۱. میرزایی، حبیب‌الله، تربیت فرزند در پرتو رهنمودهای پیامبر اکرم (ص)، چاپ اول، مشهد: انتشارات عروج اندیشه، ۱۳۸۴.
۷۲. ناصح علوان، عبدالله، تربية الاولاد فی الاسلام، ج ۱، بیروت: انتشارات دارالسلام، ۱۴۰۶ق.
۷۳. نوای نژاد، شکوه، رفتارهای بهنجار کودکان و نوجوانان، و راه‌های پیشگیری و درمان ناهنجار، چاپ دوم، تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان، ۱۳۷۳.
۷۴. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۲، چاپ اول، قم: مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۰۸ق.
۷۵. نیک‌خو، مهدی، کودک و تربیت، چاپ اول، قم: انتشارات گلستان ادب، ۱۳۸۱، ص ۱۳۶.

۷۶. _____ ، گلبرگ زندگی، چاپ اول، قم: مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۶.

۷۷. الیاس، جان، فلسفه تعلیم و تربیت در قدیم و معاصر، ترجمه عبدالرضا ضرابی، چاپ

اول، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۲.